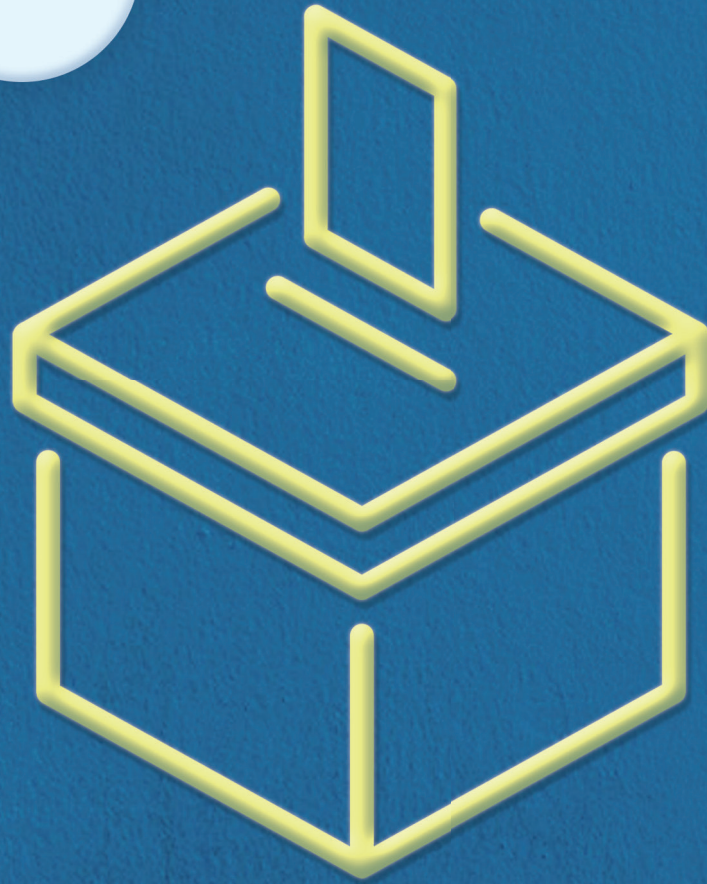




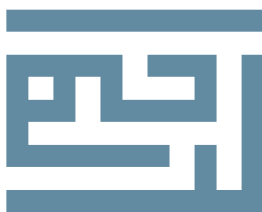
مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور

شماره دو



چرا رای می دهیم؟

مجموعه یادداشت‌های انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری





مرکز مطالعات، پژوهش و آموزش وزارت کشور

عنوان: چرا رأی می دهیم؟

(مجموعه یادداشت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی)

صاحب امتیاز: مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور

مشخصات ظاهری: ۶۹ صفحه

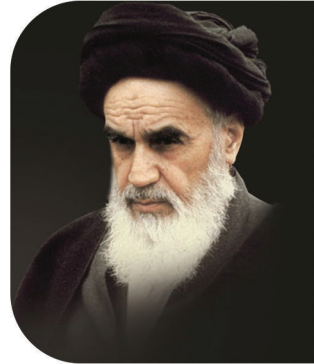
این مجموعه یادداشت‌ها متعلق به مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور می‌باشد و مطالب درج شده صرفاً با هدف بازنمایی دیدگاه‌های متخصصان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تهیه شده است و لزوماً بیانگر دیدگاه‌های وزارت کشور نیست.

نشانی مرکز: تهران، کشاورز، خ دکتر فاطمی، خ جویبار، خ زرتشت غربی

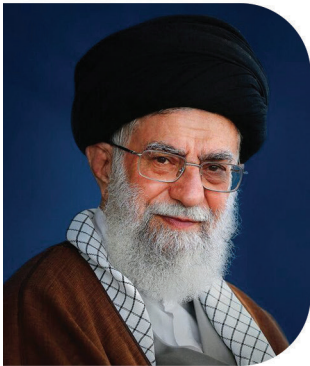
کد پستی: ۱۴۱۴۷۷۶۱۴۵ | تلفن: ۸۴۸۶۱۱۱۱

آدرس سایت مرکز: mcsst.ir

چاپ: تهران، زمستان ۱۴۰۲ - شماره ۲



بدانید که انتخابات از اموری است که در سرنوشت شما و در سرنوشت ما نقش مهم دارد و بالاترین نقش است و این انتخابات است که همه امور کشور را چه در داخل و چه در خارج باید بگذراند.
(صحیفه امام، جلد ۱۸ صفحه ۴۰۳)



همه‌ی کسانی که مخاطبانی دارند، وظیفه دارند مردم را به انتخابات دعوت کنند. علمای اعلام، اساتید دانشگاه، اساتید حوزه، صداوسیما، مطبوعاتی‌ها، جوانها، افراد در داخل خانواده، اینها همه می‌توانند منادی انتخابات باشند و مخاطبان خودشان را به انتخابات دعوت کنند؛ آن وقت انتخابات، انتخابات پُرشوری خواهد شد. اگر مشارکت ضعیف باشد، مجلس ضعیف خواهد شد و مجلس ضعیف توانایی کامل برای رفع مشکلات نخواهد داشت. اگر می‌خواهیم مشکلات برطرف بشود، باید مشارکت را بالا ببریم؛ این وظیفه‌ی همه است. هر که می‌خواهد مشکلات کشور برطرف بشود، راهش این (انتخابات) است.
(بیانات در دیدار جمعی از مردم استان‌های کرمان و خوزستان - ۱۴۰۲/۱۰/۰۲)



برنامه دولت برنامه دولت زمینه سازی برای مشارکت پرشور مردم و تشکیل مجلس قوی است. دولت به هیچ جناحی وابستگی ندارد جناح دولت جناح انقلاب و مردم عزیز است. هر چه انتخابات مردمی تر و پر شورتر برگزار شود برای کشور عزیز ما مطلوب تر است. (۱۴۰۲/۱/۱)



همه باید برای افزایش مشارکت در انتخابات اسفند ماه امسال تلاش کنند تا بار دیگر توطئه دشمن در جنگ ترکیبی و شناختی با شکست مواجه شود. همه باید با هم تلاش کنیم تا مشارکت مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری چشمگیر باشد.
(گردهمایی نمایندگان ولی فقیه)

فهرست

۵	انتخابات و توسعه روستایی
۹	انتخابات و حمایت از تولید ملی
۱۳	انتخابات و حمایت از بازنشستگان
۱۸	انتخابات و اشتغال
۲۲	انتخابات و مردمی سازی اقتصاد
۲۵	انتخابات و فسادستیزی
۲۹	انتخابات و اقوام
۳۴	انتخابات و سرمایه اجتماعی
۳۹	انتخابات و نظارت عمومی
۴۳	انتخابات و مردم سالاری دینی
۴۷	کارویژه سیاسی انتخابات
۵۱	انتخابات و ثبات سیاسی
۵۵	انتخابات و توسعه سیاسی
۵۹	انتخابات و امنیت ملی
۶۳	انتخابات و اقتدار ملی

مقدمه

انتخابات به منزله تجلی مردم سالاری دینی، نماد اعمال حق تعیین سرنوشت در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. مشارکت گسترده مردم در ادوار انتخابات برگ زرینی در دفتر پرافتخار ایران اسلامی است که نشان از پیوند مستحکم و عمیق میان مردم و نظام سیاسی و نقش آفرینی موثر و واقعی آحاد ملت در سرنوشت کشور دارد. این نقش آفرینی مردم که در کلام رسای رهبر معظم انقلاب به عنوان یکی از چهار راهبرد اصلی انتخابات یعنی امنیت، مشارکت، رقابت و سلامت بدان اشاره شده است، از افتخارات نظام جمهوری اسلامی ایران طی گذشت چهل و چهار سال از پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز است.

بی تردید حضور و مشارکت مردم در انتخابات که از سوی بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی(ره) «عصاره فضیلت های ملت» عنوان شده؛ از این امر مستثنی نبوده بلکه نقش اساسی در پیشبرد منافع و آرمان های ملی ایفا خواهد کرد. در همین راستا مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور با عنایت به منویات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در باب لزوم مشارکت پرشور و آگاهانه در انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری و با هدف ارتقای آگاهی بخشی و جامعه پذیری سیاسی اقدام به تولید محتوا حول مسائل مهم کشور مرتبط با جایگاه و اهمیت این دو مجلس نموده است. امید است یادداشت های مذکور که با رویکرد جهاد تبیین توسط جمعی از متخصصان دانشگاهی به نگارش در آمده است نقش موثری در انتخاب نمایندگان اصلح داشته باشد.

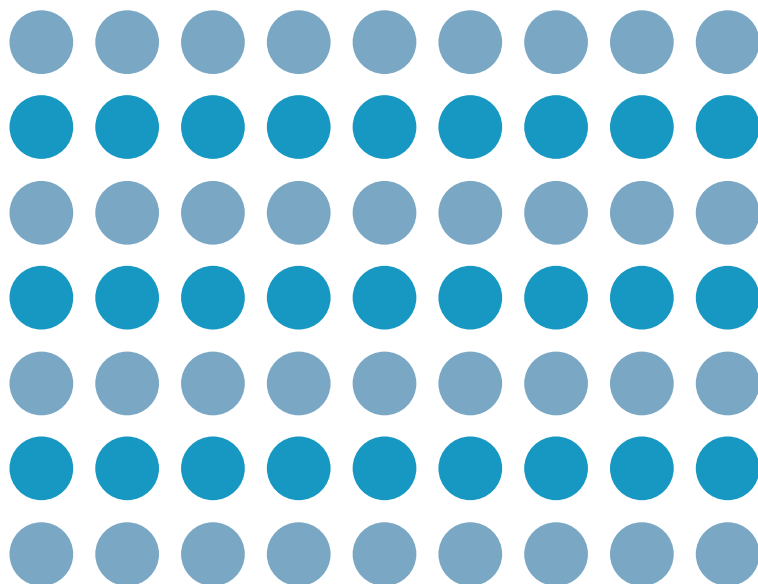
جلیل دارا

رئیس مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور



یادداشت اول

انتخابات و توسعه روستایی



انتخابات و توسعه روستایی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، توجه ویژه‌ای به توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاها مبذول گشت و توجه ویژه نظام جمهوری اسلامی ایران به بهبود وضع روستاها باعث توسعه روستاها و تحول مثبت و کلی در جامعه روستایی ایران گشت. در سال‌های اخیر موضوع مشارکت سیاسی روستاها در انتخابات به دلیل پدید آمدن گروه‌های جدید روستایی که دارای تحصیلات بالاتر و برخوردار از وسایل ارتباط جمعی و امکانات اقتصادی بیشتری هستند ابعاد تازه‌تری در کشور پیدا کرده است و علاقه و تمایل روستاییان به شرکت در انتخابات افزایش یافته است.

روستاییان همواره در انتخابات‌های گذشته نقش مثبت و فعالی داشتند و همپای جامعه شهری و سایر اقشار جامعه در انتخابات‌ها حضور فعال و پرشوری داشتند. رابطه انتخابات و توسعه روستایی رابطه عمیق و معناداری است و شرکت فعالانه گروه‌ها و اقشار روستایی در انتخابات چه به عنوان منتخب و چه به عنوان انتخاب کننده می‌تواند باعث توسعه روستایی و بهبود معیشت و سطح زندگی روستاییان شود.

انتخابات همواره یکی از مباحث مهم در علوم اجتماعی نوین و از شاخص‌های مهم توسعه سیاسی در کشورها به شمار می‌آید. در واقع انتخابات از معیارهای مهم توسعه یافتگی سیاسی و اجتماعی در کشورها به شمار می‌آید و پرداختن به آن می‌تواند روشنگر بسیاری از ابعاد توسعه‌یافتگی یا توسعه‌نیافتگی کلی کشورها باشد. در ایران از نظر تاریخی، مشارکت بخش‌های روستایی و عشایری در انتخابات به زمان انقلاب مشروطه و ایجاد مجلس شورای ملی بر می‌گردد. در زمان انقلاب مشروطه، به خصوص پس از اصلاحات قانون اساسی در مجلس دوم و تغییرات نظام‌نامه مجلس، نقش روستاها و مناطق روستانشین و عشایری در مجلس پررنگ‌تر گشت. از مجلس دوم تا مجلس چهاردهم مشروطه همواره اکثریت مجلس در دست خوانین و اشراف محلی قرار داشت که دارای ریشه‌های روستایی و عشایری بودند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با توجه ویژه بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی به توسعه در روستاها و همت و تلاش حکومت و مسئولان کشور برای توسعه زیرساخت‌ها در مناطق روستایی و اجرای طرح‌های توسعه‌ای و رفاهی در روستاها، وضعیت



انتخابات و توسعه روستایی

روستاها در ایران با تحول کلی مواجه شد. توجه ویژه مسئولان و دولتمردان به نقش بنیادی روستا در نظام اقتصادی و اجتماعی کشور در چند دهه اخیر، باعث شده که در سال‌های اخیر موضوع مشارکت سیاسی روستاها در انتخابات به دلیل پدید آمدن گروه‌های جدید روستایی که دارای تحصیلات بالاتر و برخوردار از وسایل ارتباط جمعی و امکانات اقتصادی بیشتری هستند، ابعاد تازه‌تری در کشور پیدا کند. توسعه روستایی در جمهوری اسلامی، جزئی از برنامه‌های توسعه در کشور است که برای دگرگون‌سازی و بهبود ساخت اجتماعی-اقتصادی جامعه روستایی به کار می‌رود.

هموار در تمامی انتخابات پس از انقلاب اسلامی، روستاییان نقش فعال و مهمی داشتند و هم در درصد مشارکت آنها در انتخابات رشد معناری پیدا کرده و هم مطالبات و توسعه جامعه روستایی به مرکز توجه سیاست‌گذاری‌ها در کشور بدل شده است. در ایران، توسعه روستایی برای کشور از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، زیرا روستاها به عنوان بخش مهمی از اقتصاد و جامعه کشور شناخته می‌شوند. این اهمیت به چندین دلیل می‌تواند توجیه شود؛

۱. اقتصادی؛ بخش عظیمی از جمعیت کشور در روستاها زندگی می‌کنند و بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی مربوط به کشاورزی، دامپروری، صنایع دستی و تولیدات محلی در این مناطق انجام می‌شود. توسعه روستایی می‌تواند به افزایش تولیدات کشاورزی، اشتغال، درآمد و رفاه اقتصادی ساکنین روستاها کمک کند. به بیان دیگر، روستاها، بخش مولد جامعه به شمار می‌روند.

۲. حفظ منابع طبیعی؛ بسیاری از منابع طبیعی مانند خاک، آب، جنگل‌ها و مراتع در مناطق روستایی قرار دارند. توسعه روستایی با بهره‌برداری پایدار از این منابع و حفظ زمین‌های کشاورزی و محلات زندگی محلی، به حفظ و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی کمک می‌کند. بنابراین رسیدگی صحیح و هوشمندانه به وضعیت روستاها، سنگ بنای آغاز توسعه پایدار در کل کشور بوده و حس زیست‌پذیری شهری نیز در گرو توجه به روستاهاست.

۳. کاهش مهاجرت از روستا به شهر؛ توسعه روستایی می‌تواند با افزایش فرصت‌های شغلی و اقتصادی در روستاها، مهاجرت از روستا به شهر را کاهش داده و به توازن بخشیدن به توسعه مناطق شهری و روستایی کمک کند.



انتخابات و توسعه روستایی

طبیعی است که این روند در کنترل نارسایی‌های اجتماعی و اقتصادی نیز نقشی انکارناپذیر خواهد داشت.

۴. حفظ فرهنگ و هویت محلی؛ روستاها دارای فرهنگ، سنت‌ها و هویت‌های خاص خود هستند. توسعه روستایی می‌تواند به حفظ و تقویت این فرهنگ‌ها و هویت‌های محلی کمک کرده و به حفظ تنوع فرهنگی کمک کند. به بیان دیگر حفظ تکثر فرهنگی از طریق تسهیل توسعه روستایی پایدار، یک ضرورت حیاتی است.

بنابراین، توسعه روستایی نقش بسیار مهمی در توسعه پایدار کشور و کاهش وابستگی کشور به خارج در زمینه تامین امنیت غذایی دارد و باید به عنوان یک اولویت در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه توسط دولتمردان مورد توجه قرار گیرد. در این میان، انتخابات می‌تواند نقش مهم و اساسی در توسعه روستایی داشته باشد.

در واقع رابطه بین انتخابات و توسعه روستایی می‌تواند از چند جنبه مورد بررسی قرار گیرد. اولاً، انتخابات می‌تواند بر توسعه روستایی تأثیر مثبت داشته باشد، زیرا نمایندگان که از سوی روستاها انتخاب می‌شوند، یا با وعده حمایت از روستاییان و توسعه روستاها به قدرت می‌رسند، می‌توانند نقش فعالی در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با توسعه روستایی داشته باشند و به نیازهای این مناطق توجه کنند. ثانیاً، انتخابات ممکن است باعث تغییرات سیاسی شود که در نهایت به تغییرات در سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی منجر شود. نمونه‌هایی از این تغییرات شامل افزایش بودجه‌های تخصیص داده شده به توسعه روستایی، اصلاح قوانین مربوط به حقوق مالکیت زمین، ارائه خدمات اجتماعی و زیرساخت‌های اساسی مانند آب، برق و حمل و نقل در مناطق روستایی و ... است.

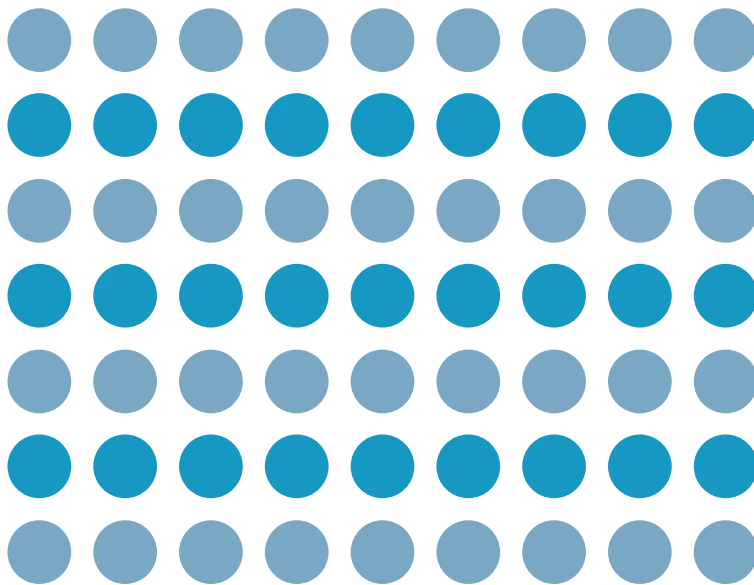
بنابراین، رابطه بین انتخابات و توسعه روستایی می‌تواند به عنوان یک فرصت برای تغییرات مثبت در زمینه توسعه روستایی مورد بررسی قرار گیرد. انتخابات و توسعه روستایی دارای ارتباط عمیقی هستند و شرکت پرشور و حداکثری روستاییان در انتخابات می‌تواند به توسعه بیشتر روستاها و بهبود سطح معیشت جامعه روستایی و در نتیجه توسعه کلی کشور کمک کند.



۲

یادداشت دوم

انتخابات و حمایت از تولید ملی



انتخابات و حمایت از تولید ملی

تجربیات تاریخی کشورها نشان داده است که تقویت صنعت ملی تنها راه ارتقاء جایگاه کشورها در نظام بین‌المللی و رسیدن به استقلال و عزت ملی است. کشوری که از نظام صنعتی ضعیفی برخوردار باشد به آسانی به سایر کشورها وابسته می‌شود و تحت مخاطرات امنیتی و سیاسی مختلف قرار می‌گیرد.

حمایت از تولید ملی که به عنوان حمایت از صنایع ملی یا تولید داخلی نیز شناخته می‌شود، به سیاست‌ها و اقداماتی اطلاق می‌شود که با هدف ترویج و حمایت از تولید کالاها و خدمات تولیدشده در داخل مرزهای یک کشور انجام می‌شود. بین انتخابات و حمایت از تولید ملی رابطه مهم و مستقیمی وجود دارد. شرکت پرشور مردم در انتخابات می‌تواند به حمایت از صنایع ملی و ارتقاء جایگاه کشور در نظام جهانی بینجامد.

آنچه که از تجربه تاریخی کشورها در دوران پس از انقلاب صنعتی و شکل‌گیری دولت-ملت‌های مدرن و تحول آنها از جوامع سنتی مبتنی بر کشاورزی و شبنانی به جوامع مبتنی بر صنعت و بازرگانی به دست آمده این است که تنها یک راه برای رسیدن به استقلال و عزت ملی وجود دارد و آن راه تقویت بنیه صنعتی کشور و افزایش زیرساخت‌ها در جهت افزایش بنیه تولیدی ملی است. بدون شک کشوری که فاقد بنیه صنعتی قدرتمند و تولیدات ملی متنوع و روزآمد باشد به راحتی در جهت تامین نیازهای روزمره خود به سایر کشورها وابسته می‌شود و تحت نفوذ اقتصادی و پس از آن نفوذ سیاسی آنها قرار می‌گیرد و ملت آن کشور روز به روز به فقر و تنگدستی دچار شده و استقلال و کیان ملی آن کشور با تهدیدات امنیتی جدی مواجه می‌شود. حمایت از تولید ملی که به عنوان حمایت از صنایع یا تولید داخلی نیز شناخته می‌شود، به سیاست‌ها و اقداماتی اطلاق می‌شود که با هدف ترویج و حمایت از تولید کالاها و خدمات تولیدشده در داخل مرزهای یک کشور انجام می‌شود. این می‌تواند شامل مجموعه‌ای از اقدامات طراحی‌شده دولت در جهت تقویت رقابت‌پذیری و پایداری صنایع داخلی باشد. حمایت از تولید ملی اغلب شامل ابتکارات دولتی مانند ایجاد محدودیت‌ها و تعرفه گمرکی بر روی واردات کالاها در جهت حمایت از



انتخابات و حمایت از تولید ملی

از صنایع نوپا، یارانه‌ها، مشوق‌های مالیاتی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و تخصیص بودجه در تحقیق و توسعه سیاست‌های تجاری است که حمایت از تولیدات و کالاهای داخلی را در اولویت قرار می‌دهد. هدف از این اقدامات ایجاد محیطی مساعد برای رونق کسب‌وکارهای محلی، صنایع ملی و ایجاد فرصت‌های شغلی و کمک به توسعه اقتصادی کلی کشور است. علاوه بر این، حمایت از تولید ملی اغلب با مفهوم ناسیونالیسم اقتصادی مرتبط است، که بر اهمیت خودکفایی و حفاظت از صنایع داخلی در برابر رقابت ناعادلانه یا استثمار اقتصادی توسط کشورهای خارجی تأکید دارد. در مجموع، حمایت از تولید ملی به عنوان ابزاری برای تقویت اقتصاد یک کشور، کاهش وابستگی به واردات و افزایش رقابت‌پذیری صنایع ملی در بازارهای داخلی و بین‌المللی تلقی می‌شود. پس در اهمیت حمایت از تولیدات ملی برای رسیدن به استقلال و عزت ملی و نقش سیاستمداران و دولت‌ها برای انجام این مهم بحثی نیست و اهمیت آن امروزه امری اثبات شده است. در این میان انتخابات می‌تواند تاثیر قاطع و مستقیمی بر حمایت از تولیدات و صنایع ملی داشته باشد.

رابطه بین انتخابات و حمایت از تولید ملی می‌تواند مهم و اساسی باشد. در واقع انتخابات خود فی‌الذمه و به طور مستقیم با حمایت از تولید ملی ارتباط دارد. فضایی که انتخابات به سمت آن حرکت می‌کند، شعارهایی که در انتخابات مطرح می‌شود و گروه‌هایی که از طریق انتخابات به کرسی نمایندگی مردم می‌نشینند می‌توانند مستقیماً در حمایت از تولید ملی نقش داشته باشند. در طول مبارزات انتخاباتی، احزاب سیاسی و نامزدها اغلب بر سیاست‌های اقتصادی و برنامه‌های حمایت از تولید و صنایع داخلی تمرکز می‌کنند. این می‌تواند شامل وعده‌هایی برای ارائه مشوق‌ها و یارانه‌ها یا اشکال دیگر حمایت برای تقویت تولیدات صنعتی باشد. نتیجه انتخابات همچنین می‌تواند بر سیاست‌های تجاری کشور تأثیر بگذارد که می‌تواند تأثیر مستقیمی بر تولید ملی داشته باشد. احزاب سیاسی ممکن است از اقدامات حمایتی برای حفاظت از صنایع داخلی حمایت کنند، یا ممکن است موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد را برای باز کردن بازارهای جدید برای تولید ملی ترویج کنند. در نهایت، نتیجه یک انتخابات می‌تواند جهت‌گیری سیاست‌های اقتصادی را تعیین کند که می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر حمایت و رشد تولیدات ملی داشته باشد. بنابراین رابطه



انتخابات و حمایت از تولید ملی

انتخابات و حمایت از تولید ملی با بینش اقتصادی و اولویت‌های دولت منتخب پیوند تنگاتنگی دارد.

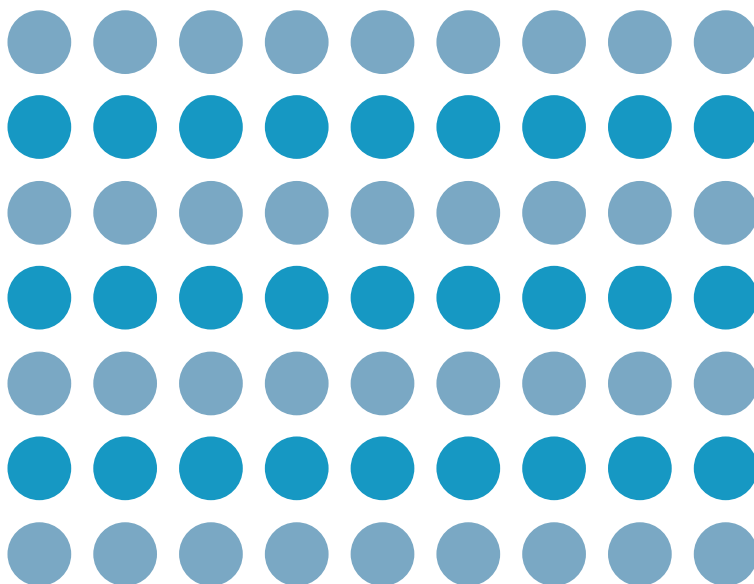
بدون شک مشارکت گسترده و حداکثری همه اقشار و آحاد مردم در انتخابات و همچنین حمایت کاندیداهای منتخب مردم از تولیدات ملی و ارائه برنامه‌هایی مشخص از طرف آنها برای حمایت از تولیدات ملی می‌تواند نقش بزرگی در هدایت کشور به سوی استقلال و عزت ملی و خودکفایی داشته باشد. مقام معظم رهبری همواره در سخنان خود بر اهمیت حمایت از تولید و صنایع ملی تاکید کرده‌اند. ایشان تولیدات ملی را ستون فقرات کشور خواندند که نشان از اهمیت حمایت از تولید ملی در نزد ایشان دارد. بدون تردید مشارکت پرشور و حداکثری مردم در انتخابات و همت مسئولین منتخب مردم می‌تواند گام بلندی به سوی هدف متعالی حمایت از تولید ملی و ارتقاء جایگاه کشور در نظام جهانی از طریق افزایش قدرت صنعتی ایران باشد.



۳

یادداشت سوم

انتخابات و حمایت از بازنشستگان



انتخابات و حمایت از بازنشستگان

طبق آمار سایت مرکز بازنشستگان کشور، مجموع بازنشستگان، از کارافتادگان و وظیفه‌بگیران تحت پوشش صندوق بازنشستگی کشوری در پایان اسفندماه ۱۳۹۹ به یک میلیون و ۵۰۵ هزار و ۱۰۵ نفر رسید که از این تعداد، یک میلیون و ۲۲۰ هزار و ۹۲۶ نفر بازنشسته، ۱۳ هزار و ۴۲۱ نفر از کارافتاده و بیش از ۲۷۰ هزار نفر وظیفه‌بگیر (۶۱ هزار و ۴۲۹ نفر ورثه شاغل متوفی و ۲۰۹ هزار و ۳۲۹ نفر ورثه بازنشسته متوفی) هستند. مرکز آمار ایران در گزارشی دیگر اعلام کرد «طی ۱۴ سال منتهی به سال ۱۴۱۵، جمعیت افراد در سن قطعی بازنشستگی ۵.۵ میلیون نفر اضافه خواهد شد».

بازنشستگان در انتخابات در جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی دارند و تعداد آنها همواره در انتخابات مورد توجه قرار می‌گیرد. بازنشستگان از یک سو به عنوان یک گروه قوی با تأثیر بالا در انتخابات شناخته می‌شوند، از سوی دیگر به علت تعداد زیاد آنها و پراکندگی در جغرافیا و اقشار مختلف، تأثیر آنها بر روند انتخابات، آمار رسمی حضور آنها در انتخابات به طور عمومی انتشار نیافته است. با این حال، بازنشستگان در انتخابات مورد توجه قرار می‌گیرند و سازمان‌ها و گروه‌های مختلف سعی در تحلیل و بررسی تأثیر حضور آنها در انتخابات دارند. اطلاعات رسمی در مورد میزان حضور بازنشستگان در انتخابات در ایران به طور عمومی در دسترس نیست. با این مقدمه به اهمیت نقش بازنشستگان در آینده سیاسی کشور به عنوان جمعیت گسترده‌ای از مردم که علاوه بر خواسته‌های اقتصادی، خواسته‌های سیاسی متنوعی دارند از اهمیت بالایی برخوردار است و مشارکت سیاسی آنها در قالب‌های مختلف از جمله انتخابات، حضور در کانون‌های بازنشستگی و احزاب می‌تواند پشتوانه‌ای برای تحکیم پایه‌های نظام اسلامی باشد.

بازنشستگان در جمهوری اسلامی ایران افرادی هستند که پس از سپری کردن سن بازنشستگی و یا حداقل سابقه کاری مشخص، از سوی دولت به عنوان بازنشسته شناخته می‌شوند. بازنشستگان معمولاً از یک نظام حمایت اجتماعی دوران بازنشستگی ملی یا خصوصی بهره‌مند می‌شوند و از مزایا و محدودیت‌هایی



انتخابات و حمایت از بازنشستگان

برخوردار هستند که توسط نظام بازنشستگی تعیین می‌شود. در ایران، بازنشستگان از مزایا و خدمات مختلفی مانند پرداخت پاداش بازنشستگی، درمان و بیمه‌های تکمیلی، وام‌های بازنشستگی و غیره بهره‌مند شوند.

از این رو، حمایت از بازنشستگان شامل اقدامات و سیاست‌های مختلفی است که بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سلامتی آنان را تضمین می‌کند. این حمایت‌ها شامل پرداخت منظم و عادلانه بازنشستگی است که دولت‌ها می‌توانند در این زمینه برنامه‌ها و سیاست‌هایی را تدوین کنند که بازنشستگان را از طریق پرداخت منظم و عادلانه بازنشستگی حمایت کند. افزایش سطح درآمد بازنشستگان، ارائه خدمات بهداشتی و درمانی، تأمین مسکن مناسب، ارائه فرصت‌های فرهنگی، تفریحی و اجتماعی و در نهایت حفظ شأن اجتماعی جزء حمایت‌های مهمی است که دولت و مجلس در پیوند با یکدیگر باید در این راستا حرکت کنند.

بر این اساس، با توجه به اهمیت انتخابات در جهت حمایت و رفاه بازنشستگان کشور، انتخابات می‌تواند تأثیر متفاوتی بر حمایت از بازنشستگان داشته باشد. در زیر به برخی از روابط بین انتخابات و حمایت از بازنشستگان اشاره می‌کنم؛

۱. سیاست‌های رفاهی بازنشستگی؛ نتایج انتخابات و تغییر در ترکیب تصمیم‌گیران سیاسی می‌تواند تأثیر بسزایی بر سیاست‌های بازنشستگی داشته باشد. نمایندگان منتخب در مجلس جدید ممکن است سیاست‌های جدیدی را در زمینه حمایت از بازنشستگان مطرح کرده و به تصویب برسانند که می‌تواند بهبود وضعیت آنان را به همراه داشته باشد.

۲. تغییر در قوانین مالیات؛ نتایج انتخابات ممکن است منجر به تغییرات در قوانین مالیاتی شود که می‌تواند تأثیر مستقیم بر درآمدهای بازنشستگان داشته باشد؛ چراکه یکی از جوامع آسیب‌پذیر در این بحث بازنشستگان هستند که باید از سبد حمایتی نظام سیاسی برخوردار باشند.

۳. افزایش یا کاهش منابع مالی برای سازمان‌های بازنشستگان؛ دولت‌های جدید ممکن است سیاست‌های مالی را تغییر دهند که موجب افزایش یا کاهش منابع مالی برای سازمان‌های بازنشستگان شود.



انتخابات و حمایت از بازنشستگان

۴. افزایش آگاهی عمومی؛ انتخابات و فعالیتهای سیاسی ممکن است منجر به افزایش آگاهی عمومی درباره نیازها و مسائل بازنشستگان شود که می‌تواند به تقویت حمایت اجتماعی از آنان منجر شود. بنابراین، نتایج انتخابات و فعالیتهای سیاسی ممکن است به عنوان یک عامل مؤثر در تعیین سیاستها و حمایت از بازنشستگان عمل کند.

در جمهوری اسلامی ایران، حمایت از بازنشستگان شامل چندین اقدام و سیاست مختلف است. برخی از این اقدامات شامل موارد زیر می‌شود؛

- پرداخت منظم حقوق بازنشستگی؛ دولت ایران برنامه‌ها و سیاست‌هایی را برای پرداخت منظم بازنشستگی به بازنشستگان اجرا می‌کند. بازنشستگان در ایران حق دارند که پس از بازنشستگی، یک درصد از حقوق خود را به عنوان بازنشستگی دریافت کنند.

- بیمه‌های اجتماعی؛ سازمان بیمه‌های اجتماعی ایران نیز برای حمایت از بازنشستگان فعالیت می‌کند. این سازمان به عنوان یک نهاد دولتی مسئول برنامه ریزی و اجرای برنامه‌های بیمه اجتماعی و پرداخت حقوق بازنشستگی به افراد بازنشسته است.

- خدمات بهداشتی و درمانی؛ سازمان تأمین اجتماعی و سایر نهادهای دولتی در ایران خدمات بهداشتی و درمانی مناسب را برای بازنشستگان فراهم می‌کنند.

- حفظ حقوق قانونی؛ حفظ حقوق قانونی بازنشستگان و جلوگیری از تبعیض علیه آنان نیز جزء حمایت‌های دولت ایران است. به طور کلی، دولت ایران تلاش می‌کند تا با اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های مختلف، بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سلامتی بازنشستگان را تضمین کند.

از این رو، یکی از وظایف اصلی ما تشویق این گروه فرهیخته به افزایش مشارکت سیاسی در انتخابات است که به اختصار به تشریح برخی از این راهکارها خواهیم پرداخت. اولین قدم آموزش و آگاهی‌بخشی در قالب برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی برای بازنشستگان در مورد اهمیت مشارکت سیاسی و اجتماعی و روش‌های مشارکت در فرایندهای انتخاباتی است، ترویج فرهنگ مشارکتی در قالب ایجاد



انتخابات و حمایت از بازنشستگان

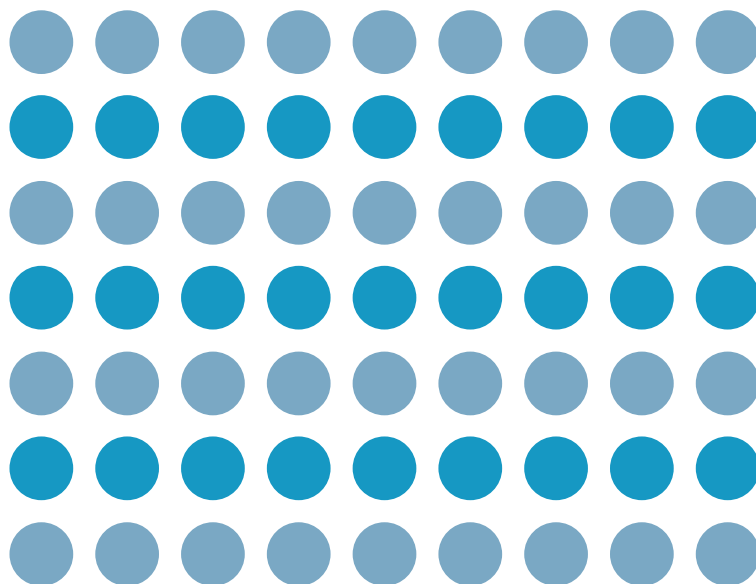
ایجاد فضاها و فرصتهایی برای بحث و تبادل نظر درباره مسائل سیاسی و اجتماعی، به منظور ترویج فرهنگ مشارکت و حضور فعال بازنشستگان در این بحث‌ها و تشویق بازنشستگان به حضور در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی مانند حضور در گروه‌ها و انجمن‌های مردم‌نهاد، نهادهای مدنی و احزاب، فراهم کردن تسهیلات و امکانات لازم برای حضور بازنشستگان در رویدادها و فعالیتهای مرتبط با مشارکت سیاسی، مانند حمل و نقل رایگان یا تسهیلات مالی و شناسایی نیازها و مسائل بازنشستگان در قالب برگزاری نظرسنجی‌ها و گفتگوها با بازنشستگان برای شناسایی نیازها و مسائل مهم آنها، به منظور توسعه سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب برای جلب مشارکت آنها است. این راهکارها می‌توانند به افزایش مشارکت سیاسی بازنشستگان کمک کنند و آنها را به عنوان یک گروه قدرتمند در فرآیندهای انتخاباتی تقویت کنند.



۴

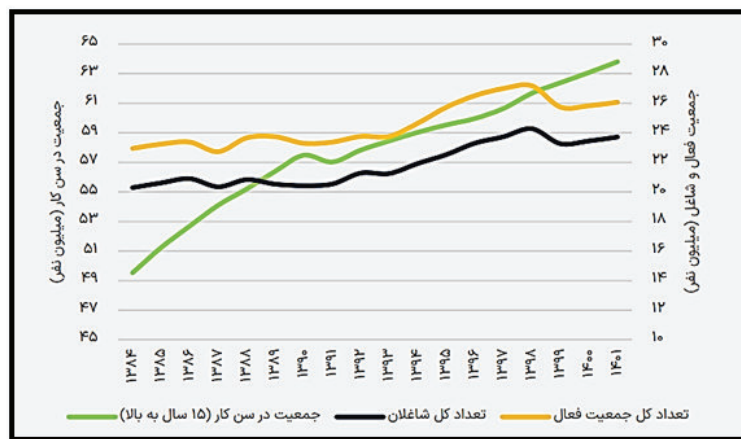
یادداشت چهارم

انتخابات و اشتغال



انتخابات و اشتغال

بازار کار و اشتغال در کشورمان در طول سال‌های اخیر با چالش‌ها و تنش‌های متعددی روبرو بوده است. در این میان مهمترین مسائل بازار اشتغال در ایران، محدودیت در ایجاد اشتغال متناسب با افزایش رشد جمعیت سن کار و عدم تناسب سهم اشتغال بخش‌های مختلف اقتصاد کشور متناسب با سهم آنها از تولید ناخالص داخلی است. مسئله اول از دو بعد کمی و کیفی قابل بررسی است: از بعد کمیت؛ به دلیل بی‌ثباتی اقتصاد کلان و مشکلات محیط کسب و کار اقتصاد ایران، سال‌هاست که تعداد شاغلان کشورمان متناسب با رشد جمعیت در سن کار رشد نمی‌کند، و حتی در دوره‌هایی این تعداد ثابت مانده است. آمار جمعیت در سن کار، جمعیت فعال و تعداد شاغلان در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۱ در شکل زیر ارائه شده است. این نمودار نشان‌دهنده آن است، در حالی که جمعیت در سن کار به طور مداوم در حال افزایش است، اما در بازه ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ تعداد شاغلان ثابت مانده است. در دوره ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ تعداد شاغلان، هماهنگ با افزایش تعداد جمعیت در سن کار، افزایش یافته است اما این روند از سال ۱۳۹۹ متوقف شده است. به طور کلی در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۱ جمعیت در سن کار ۲۷٪ افزایش یافته در حالی که تعداد شاغلان تنها ۱۶٪ درصد افزایش یافته است.



جدول جمعیت در سن کار، جمعیت فعال و تعداد شاغلان کشور (منبع: مرکز آمار ایران)



انتخابات و اشتغال

مسئله عدم تناسب سهم اشتغال بخش‌های مختلف اقتصاد کشور متناسب با سهم آنها از تولید ناخالص داخلی یکی دیگر از معضلات بازار اشتغال در کشورمان است. مطابق آمار بانک مرکزی، میانگین سهم اشتغال در بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ در بخش کشاورزی ۱۶ درصد، بخش صنعت ۳۴ درصد و بخش خدمات ۵۰ درصد بوده این در حالی‌ست که در سال ۱۴۰۰، سهم کشاورزی ۹ درصد، صنعت (بدون احتساب نفت) ۳۲ درصد و خدمات ۴۴ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور بوده است. یعنی شغل‌های بخش کشاورزی تناسبی با جمعیت جویای کار تحصیل کرده ندارد و بخش کشاورزی با عدم به‌کارگیری دانش و فناوری جدید و ارتقای بهره‌وری و عدم پذیرش ساختار شرکتی، ظرفیتی برای جذب قشر جوان تحصیل کرده ندارد، این چالش در بخش صنعت، معدن و نفت نیز وجود دارد که هر کدام سهم بالایی در تولید ناخالص داخلی دارند، اما سهم کوچکی از بازار اشتغال را به خود اختصاص داده‌اند.

اقتصاد ایران و چالش‌های اشتغال‌زایی

اقتصاد ایران به دلیل وزن زیاد درآمدهای حاصل از صادرات منابع طبیعی، عمق کم بخش مالی و تورم مزمن دو رقمی، دچار ناپایداری بوده و از نوسانات قیمت ارز و یا حجم صدور نفت، تاثیر می‌پذیرد. فقدان روابط بلندمدت استراتژیک با سایر کشورها و فشارهای بین‌المللی در قالب تحریم‌های ظالمانه تجاری و سیاسی، اقتصاد کشورمان را با شوک‌ها و نوسانات متعدد روبه‌رو ساخته است. علی‌رغم تمامی تلاش‌های دولت و مجلس شورای اسلامی برای مقابله با مشکلات مربوط به بازار کار، در سال‌های اخیر که فشارهای ظالمانه بین‌المللی شدت یافته، نوسانات شاخص‌های اقتصاد کلان بیش از گذشته روی تمام بازارها اثر گذاشته و شرایط را بحرانی‌تر کرده است؛ بازار کار نیز از اثرات این شوک‌ها مصون نمانده و چالش‌های اشتغال‌زایی در اقتصاد تشدید شده است.

عدم اشتغال‌زایی یکی از ویژگی‌های آماری اقتصاد کشورمان است. متأسفانه اقتصاد ایران به واسطه وجود بخش دولتی نسبتاً بزرگ و همچنین نوسانات اقتصادی ناشی از تحریم یا نوسانات قیمت نفت، با مشکلاتی در اشتغال‌زایی همراه است.



انتخابات و اشتغال

بخش خصوصی در ایجاد اقتصاد مولد، همواره نگرانی داشته و برنامه‌های بلندمدت با ریسک بالا همراه بوده است. برای همین است که نیاز به بازبینی در ساختارهای اقتصادی در حوزه تامین امنیت شغلی، یک ضرورت کلیدی به شمار می‌رود. از آنجا که بیشترین مسئله در توزیع منابع در حوزه انرژی، سرمایه و دسترسی به بازارهای مالی، و منابع طبیعی و زیرزمینی است، فرصت‌های شغلی متناسب با جمعیت ایران و در سایر بخش‌ها ایجاد نشده است. در چنین ساختاری، قوانین بالادستی در اقتصاد ملی و همچنین ساختارهای نهادهای متولی اقتصاد باید به سرعت بازبینی شده و روزآمد شوند. به همین دلیل است که نقش نهادهای مقتنه در رونق اشتغال و افزایش امنیت شغلی پایدار بیش از پیش احساس می‌شود.

نقش مجلس شورای اسلامی در اثرگذاری بر متغیرهای مهم بازار کار

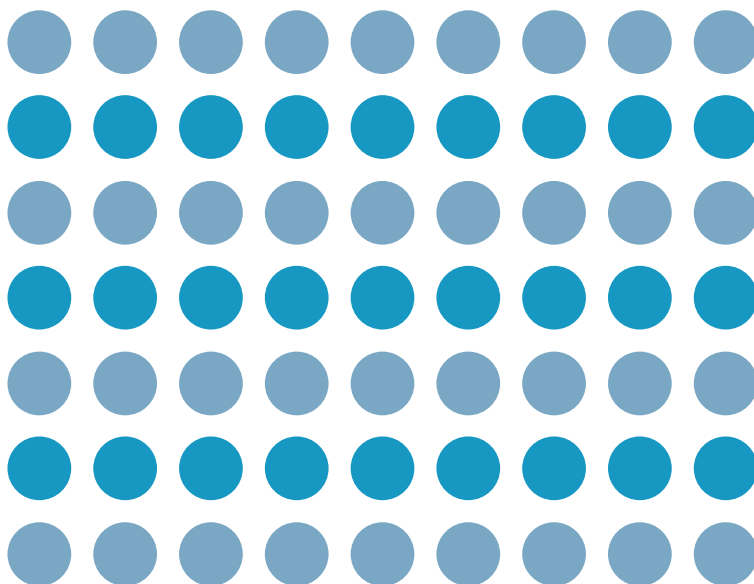
در میان وجود این چالش‌ها و مشکلات نقش قوه قانون‌گذار می‌تواند کلیدی و موثر باشد. این نقش می‌تواند از مسیرهای مهمی همچون تصویب برنامه‌های توسعه، تصویب تنظیمات مربوط به عملکرد و سازماندهی کارگاه‌های مشمول قانون کار و حفاظت از حقوق کارگران و همچنین کارفرمایان تبیین شود. از این نظر انتخابات مجلس شورای اسلامی به عنوان یکی از مهمترین رویدادهای سیاسی و اجتماعی کشورمان می‌تواند فرصت‌های ویژه و جدیدی را برای گفتگو و همکاری بین مجلس و جناح‌های مختلف بازار کار از جمله کارگران، کارفرمایان و بنگاه‌ها ایجاد کند. این امر می‌تواند منجر به اصلاحات و وضع سیاست‌ها و قوانینی شود که هدفشان بهبود وضعیت بازار کار، رونق یافتن فعالیت بنگاه‌ها، ثبات در اقتصاد کلان و در نتیجه تناسب توزیع اشتغال و کاهش بیکاری، افزایش دستمزدها و گسترش امنیت شغلی گردد. از این نظر می‌توان انتخابات را عرصه مهمی برای ایجاد تغییرات مثبت در وضعیت اشتغال کشور دانست و شرکت در آن می‌تواند برای ایجاد تغییرات مثبت در وضعیت اشتغال کشور و ایجاد اشتغال پایدار نقش بی‌بدیلی داشته باشد.



۵

یادداشت پنجم

انتخابات و مردمی سازی اقتصاد



انتخابات و مردمی سازی اقتصاد

اقتصاد مردمی عرصه‌ای استثنائی برای افزایش مشارکت عمومی، مستقل از زمان و مکان در فعالیت‌های اقتصادی است که می‌تواند مردم را قادر سازد ضمن تعاون؛ مسابقه‌ای جهادی و نوآورانه در اقتصاد داشته باشند و از فرصت‌های موجود آن برخوردار شوند. از این جهت، توسعه نقش‌آفرینی و تبعیض‌ناپذیر مردم در راستای خلق ارزش اقتصادی و پیشرفت جامعه یکی از مهمترین اهداف و منویات اقتصادی مقام معظم رهبری در گام دوم انقلاب اسلامی است که بر اساس آن، دولت باید نقش خود را در اقتصاد کاهش دهد و فضای مناسبی را برای حضور و فعالیت مردم، به ویژه جوانان و نخبگان، در حوزه‌های اقتصادی فراهم کند. در یک اقتصادی مردمی‌شده، کار و عاملیت در دست مردم است و دولت نقش نظارتی و هدایت‌کننده خود را ایفا می‌کند. این امر باعث می‌شود که اقتصاد کشور مقاوم‌تر، پویاتر و تنوع پذیرتر شود و بتواند به چالش‌های موجود و آینده پاسخگو باشد. از آنجایی که رهبری انقلاب در بیانات متعددی، اهمیت مشارکت مردم در اقتصاد را تأکید کرده‌اند و آن را شرط لازم برای تحقق جهش تولید و مهار تورم در سال ۱۴۰۲ می‌دانند، باید دقت داشت که مردمی‌سازی اقتصاد همواره در موازات افزایش نقش و عاملیت مردم در سایر ابعاد توسعه است بنابراین باید توجه نمود که مردمی‌سازی می‌بایست در سطح تمامی ابعاد توسعه به صورت همزمان صورت بگیرد.

در این میان مجلس شورای اسلامی نقش کلیدی در پیشبرد زمینه‌سازی‌ها و تکلیف فراهم نمودن بسترهای لازم برای توسعه مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی و عمرانی دارد. این نقش از طریق تعامل با دولت و سایر نهادهای کلیدی در این زمینه در نهایت به استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی و تعاونی، حلقه‌های میانی، گروه‌های جهادی، سازمان‌های مردم‌نهاد و نیز با استفاده از ابزارهای بازار سرمایه ایفا می‌شود و می‌تواند امکان مشارکت مردم را در فعالیت‌های اقتصادی و عمرانی و در تمامی بخش‌های اقتصاد توسعه دهد. از این نظر، با تمرکز بر توسعه بخش خصوصی و تعاونی، توسعه روستایی و گسترش پروژه‌های عمرانی و خدماتی می‌توان مجلس شورای اسلامی را در مسیر تسریع فرآیند دستیابی به اقتصادی مردمی‌شده قرار داد. مجلس شورای اسلامی به عنوان یک نهاد قانون‌گذار می‌تواند از طریق پایش سلامت سیستم بانکی و تعادل در عرضه و تقاضای پول، خنثی‌سازی تحریم‌ها



انتخابات و مردمی سازی اقتصاد

توسعه مالکیت عمومی در بازار سرمایه، نظارت و راهبری برنامه‌نویسی توسعه و توجه به تجربه کشورهای دیگر بزرگ‌ترین یاری‌دهنده در مسیر مردمی‌سازی اقتصاد کشور باشد. دستیابی به اقتصاد مردمی می‌تواند مزیت‌های فراوانی را در اقتصاد کشور به همراه داشته باشد که از جمله آن می‌توان به افزایش درآمد، بهبود نرخ بهره، کاهش هزینه‌های عمومی دولت و در نتیجه کاهش تورم و توسعه مشمولیت مردم در فضای تولید و صنعت اشاره کرد. از این رو، توجه به مردمی‌سازی اقتصاد باید یکی از مهمترین ماموریت‌های نمایندگان مجلس باشد و در طرف مقابل رأی‌دهندگان نگاه ویژه‌ای به انتخاب نمایندگانی که این امر را در برنامه‌های خود گنجانده‌اند داشته باشند این امر می‌تواند یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌های مشارکت در رویداد انتخابات با امید به ایجاد تغییرات اساسی در صحنه اقتصادی کشورمان شود.

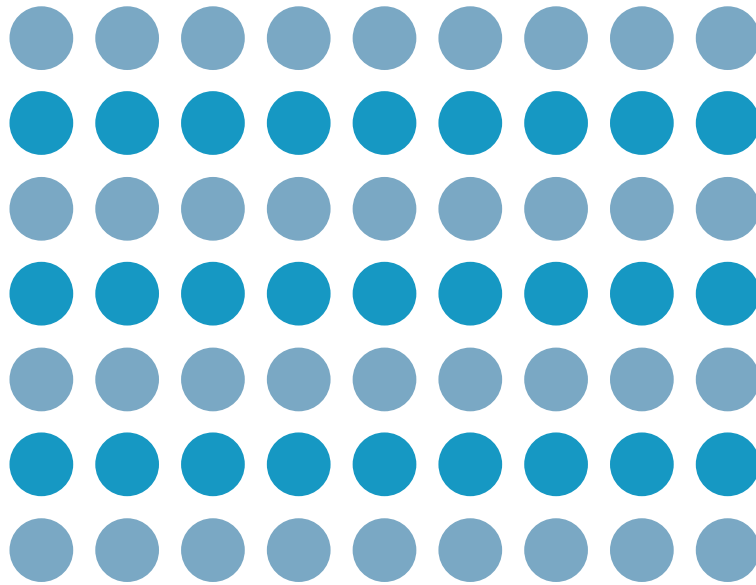
در ادامه شاید اشاره به این نکته نیز خالی از لطف نباشد که در اقتصاد مردمی، طراحی فرایند تولید و توزیع ارزش، کالا و خدمات بر عهده بخش خصوصی و تعاونی‌ها است. به بیان دیگر، این مردم هستند که بخش عمده چرخه اقتصادی را در اختیار دارند و تعامل میان گروه‌ها و اقشار مردم به صورت مستقیم و بدون واسطه شکل خواهد گرفت. طبیعی است که در این شرایط، نه تنها درک متقابل مردم از شرایط معیشتی همدیگر، بلکه هم‌افزایی میان اقشار در تسهیل فرایندها نقش داشته و از فشار وارده بر جامعه خواهد کاست. علاوه بر این در اقتصاد مردمی‌شده، نظارت مردم نیز بیش از پیش خواهد بود. در این شرایط، با کاهش فساد به سمت افزایش بهره‌وری چرخه‌های اقتصادی گام خواهیم برداشت که این امر باید از طریق قوانین و رویه‌هایی باشد که توسط نهادهایی مانند مجلس وضع می‌شوند. لذا، جایگاه مجلس و کمیسیون‌های اقتصادی آن در تسریع مردمی‌سازی اقتصاد، امری غیرقابل انکار خواهد بود.



۶

یادداشت ششم

انتخابات و فسادستیزی



انتخابات و فسادستیزی

انتخابات یکی از ویژگی‌های مهم نظام‌های مردم‌سالار و دموکراتیک است. انتخابات و مقابله با فساد دارای رابطه مستقیم و روشنی هستند و هرچه توجه به انتخابات و رای مردم در یک نظام سیاسی بیشتر باشد میزان فساد سیاسی در آن کمتر خواهد بود.

انتخابات به طور کلی با ایجاد شفافیت در ساختار سیاسی و پاسخگو نمودن مسئولان نظام سیاسی در مقابل مردم به مقابله با فساد کمک می‌کند. انتخابات می‌تواند با ایجاد شفافیت، افزایش پاسخگویی، امکان تغییر در نمایندگان، تقویت نهادهای ضدفساد و کمک به روی کار آمدن افراد متعهد و فسادستیز به کاهش فساد در سیستم سیاسی کمک کند.

انتخابات و مقابله با فساد دارای ارتباط مهم و اساسی هستند. این امر به روشنی در علوم اجتماعی و علی‌الخصوص علوم سیاسی به اثبات رسیده است که انتخابات و فسادستیزی دارای رابطه مستقیمی با هم هستند. به عبارت دیگر هرچه انتخابات در کشوری آزادتر و ریشه‌دارتر باشد، کارکرد فسادستیزی آن عمیق‌تر و کارآمدتر خواهد بود. به عبارت دیگر انتخابات با گردش نخبگان و ایجاد شفافیت در روند سیاسی و پاسخگو نمودن مقامات سیاسی در مقابل مردم نقش مهمی در مقابله با فساد دارد. انتخابات یکی از شاخص‌های مهم نظام‌های مردم‌سالار و دموکراتیک است. در واقع مهم‌ترین هدف یک نظام مردم‌سالار این است که به طرق مختلف، حقوق سیاسی مردم و مشارکت فعالانه آنها در اداره امور کشور حفظ و تضمین شود. عنصر اساسی مردم‌سالار و دموکراتیک بودن نظام سیاسی با میزان مشارکت مردم در تصمیم‌گیری ارتباط مستقیم داشته و نظام سیاسی تا آنجا دموکراتیک است که مردم در آن بتوانند به طور موثر و هدفمند در تصمیم‌گیری درباره مسائلی که به آنها مربوط است شرکت کرده و اثر مشارکت سیاسی شهروندان در صورت‌بندی قدرت سیاسی به نحو ملموس ملاحظه شود. در واقع ما می‌توانیم نظام‌های سیاسی را به دو قطب مخالف تقسیم کنیم. یک قطب نظام‌های سیاسی دموکراتیک و مردم‌سالار قرار دارند که مهم‌ترین مشخصه این نظام‌ها همت و اهتمام دولت و نظام سیاسی به برگزاری



انتخابات و فسادستیزی

انتخابات آزاد و عادلانه و ترغیب مردم به مشارکت پرشور در آن است. این گونه نظام‌ها با برگزاری انتخابات و ایجاد شفافیت در فرآیند سیاسی خود را در مقابل فساد واکسینه می‌کنند و احتمال رشد فساد سیاسی در این گونه نظام‌ها بسیار پایین است. دسته دیگر نظام‌های دیکتاتورمآب و خودکامه هستند که این گونه نظام‌ها معمولاً تحت کنترل نظامیان، پادشاهان خودکامه یا دیکتاتورهای عوام‌فریب قرار دارند که یا انتخاباتی در آنها برگزار نمی‌شود یا انتخابات‌هایی سرشار از تقلب و فساد برگزار می‌کنند. در واقع مهم‌ترین مشخصه این گونه نظام‌ها فساد سیاسی است.

فساد سیاسی در واقع یکپارچگی نظام‌های سیاسی را تضعیف می‌کند، اعتماد عمومی به دولت را از بین می‌برد، سیاست‌های عمومی را مخدوش می‌کند و مانع توسعه اقتصادی و سیاسی در کشورهای درگیر فساد می‌شود. تلاش‌ها برای مبارزه با فساد سیاسی معمولاً شامل اصلاحات قانونی، تقویت نهادی، اقدامات شفاف‌سازی و ابتکارات ضدفساد با هدف ارتقای مسئولیت‌پذیری و رفتار اخلاقی در میان مقامات دولتی است.

انتخابات از چند جهت می‌تواند بر رویارویی با فساد تأثیر بگذارد؛

۱. پاسخگویی؛ انتخابات فرصتی را برای شهروندان فراهم می‌کند تا نمایندگان خود را در قبال اعمال فاسد بازخواست کنند. رای‌دهندگان می‌توانند از قدرت خود برای انتخاب مقامات متعهد به مبارزه با فساد و حذف افرادی که در فعالیت‌های فاسدآمیز دست دارند استفاده کنند.

۲. تغییر در مقامات؛ انتخابات می‌تواند منجر به تغییر در مقامات کشور شود، که این فرایند می‌تواند افراد جدیدی را به قدرت برساند که خود را وقف مبارزه با فساد می‌کنند. رهبران جدید ممکن است اولویت‌ها و رویکردهای متفاوتی برای مقابله با فساد نسبت به پیشینیان خود داشته باشند.

۳. فشار عمومی؛ در طول مبارزات انتخاباتی، کاندیداها اغلب وعده‌هایی برای مقابله با فساد می‌دهند تا از حمایت عمومی برخوردار شوند. این می‌تواند فشار عمومی را بر مقامات منتخب برای انجام تعهدات ضدفساد خود ایجاد کند.

۴. تقویت نهادهای ضدفساد؛ انتخابات می‌تواند فرصتی برای تقویت نهادها و سازوکارهای مبارزه با فساد فراهم کند. مسئولان تازه انتخاب‌شده ممکن است



انتخابات و فسادستیزی

اصلاح و تقویت نهادهای مسئول تحقیق و تعقیب پرونده‌های فساد را در اولویت قرار دهند.

۵. شفافیت و نظارت؛ فرآیندهای انتخاباتی، از جمله تأمین مالی مبارزات انتخاباتی و تأمین مالی احزاب سیاسی، می‌تواند به عنوان فرصتی برای ارتقای شفافیت و نظارت مورد استفاده قرار گیرد، که می‌تواند به کاهش اعمال فساد در نظام سیاسی کمک کند.

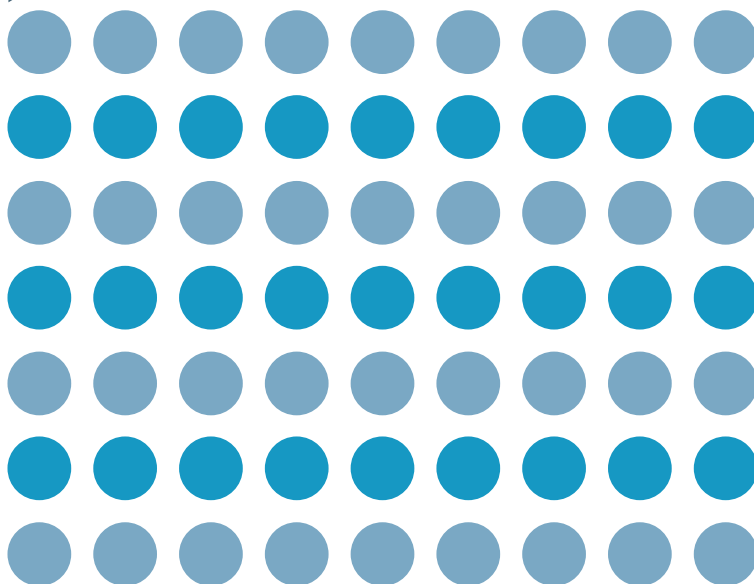
با این حال، اگرچه انتخابات تاثیر مستقیمی در مقابله با فساد دارد، ولی توجه به این نکته مهم است که انتخابات به تنهایی ممکن است برای مقابله با فساد کافی نباشد. تلاش برای مبارزه با فساد نیازمند یک رویکرد جامع است که شامل اصلاحات قانونی، ایجاد شفافیت بیشتر در فرآیند سیاسی و تقویت نهادهای مقابله با فساد مثل قوه قضائیه است. اهمیت این امر در بیانات مقام معظم رهبری نیز به روشنی قابل مشاهده است و ایشان با توجه ویژه به این امر، تاکیدات فراوانی بر تقویت نهادهای مقابله با فساد، ایجاد شفافیت بیشتر در امور و ایجاد تحول در ساختار قوه قضائیه برای مقابله با فساد تاکید فراوان داشتند.



۷

یادداشت هفتم

انتخابات و اقوام



انتخابات و اقوام

انتخابات پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی است که در نهایت بروندادی سیاسی دارد و یکی از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده نظام‌های مردم‌سالار و بخش جدایی‌ناپذیر دموکراسی به شمار می‌آید.

رقابت در انتخابات، عمده‌ترین ابزاری است که مقامات دولتی را ناگزیر به پاسخگویی در مقابل مردم و پذیرش به نظارت آنها می‌کند.

انتخابات نوعی سنجش در سطح نمایان جامعه است، برآیند گرایش‌های نهفته در عمق جامعه نیز تلقی می‌شود. درک و دریافت و چاره‌اندیشی، پاسخگویی و راهبری این گرایش‌ها و مطالبات پنهان، از عقلانیت، ظرفیت‌پذیری و توسعه سیاسی و پایبندی به قواعد و موازین پیکار سیاسی مسالمت‌آمیز و درون نظام محسوب می‌شود. آنچه نقش تعیین‌کننده در نتایج انتخابات دارد، رفتار انتخاباتی شهروندان است که به عنوان کنشی سیاسی، در فرهنگ جامعه ریشه دارد و فرهنگ سیاسی هر جامعه‌ای بر پایه فرهنگ عمومی آن شکل می‌گیرد؛ بنابراین در بررسی و تحلیل رفتار انتخاباتی، نقش عوامل فرهنگی و ساختارهای اجتماعی اهمیت بسیار دارد. یکی از حوزه‌های تأثیرپذیر از تنوع‌های قومی، رفتارهای انتخاباتی شهروندان در کشورهای مختلف است. این امر به ویژه در کشورهای دموکراتیک مشهودتر است که انتخابات در آنها نقش تعیین‌کننده‌ای در اداره امور جامعه و گردش نخبگان حاکم ایفا می‌کند.

کشور عزیزمان ایران با وجود رنگین‌کمانی از اقوام و تنوع قومی و فرهنگی همواره گنجینه از فرهنگ‌ها را در بر داشته و متشکل از اقوام عزیز ایرانی مانند اقوام کرد، لر، ترکمن، بلوچ، ترک و غیره است که در سایه پرچم ایران اسلامی و پاسداشت زبان فارسی و فرهنگ ایرانی همواره همبسته و یکپارچه بوده است. با این وجود این امر نشان‌دهنده اهمیت نقش قومیت‌ها به عنوان سرمایه‌های اجتماعی در سرنوشت کشور و تصمیم‌گیری‌های سیاسی است.

با توجه به اهمیت نقش اقوام ایران در این نوشتار به شناسایی رابطه آنها بر رفتار انتخاباتی و میزان مشارکت قومیت‌های مختلف در طول دوران شکوهمند انقلاب اسلامی پردازیم.



انتخابات و اقوام

مشارکت فعالانه مردم در امور سیاسی یکی از جنبه‌های مهم پیشرفت در هر کشوری است. رأی دادن از مهم‌ترین انواع مشارکت مردم در یک سیستم سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری است. در مطالعه رفتار انتخاباتی توجه به دو عامل «میزان مشارکت» و «گرایش و جهت رأی دهی» آرای مردم بسیار حائز اهمیت است.

مطابق رویکردهای جامعه‌شناختی فرد از نظر سیاسی آن‌گونه می‌اندیشد که از نظر اجتماعی در آن به سر می‌برد؛ عوامل اجتماعی تعیین‌کننده گرایش‌های سیاسی افرادند. بر این اساس یکی از عواملی که می‌تواند بر رفتار انتخاباتی رأی‌دهندگان یک جامعه تأثیر گذار باشد، مؤلفه هویت‌های فروملی مانند هویت‌های قومی است. جامعه ایران نیز دارای تنوع قومی و فرهنگی است. از این رو، به طور بالقوه می‌تواند درگیر آسیب‌های ناشی از سوءاستفاده از مؤلفه‌های قومی در رقابت‌های سیاسی و انتخاباتی شود. البته برگزاری انتخابات می‌تواند کارکرد دوگانه‌ای به همراه داشته باشد؛ انتخابات از یک طرف می‌تواند کارکرد منسجم‌کننده و وحدت‌بخش در یک جامعه متنوع داشته باشد و از طرف دیگر نیز می‌تواند به عنوان بستری برای دامن زدن به تشقت، پراکندگی و اختلاف‌ها عمل کند.

بدون شک برجسته‌سازی هویت‌های قومی در رقابت‌های سیاسی و انتخاباتی می‌تواند موجب فعال شدن تحرک اجتماعی در یک جامعه متنوع و متکثر به لحاظ هویت‌های اجتماعی شود. این تحرک اجتماعی نه تنها در پرشور شدن رقابت، بلکه در میزان کمی مشارکت در انتخابات نیز تأثیر مستقیم خواهد داشت. البته در این میان، تجربه تاریخی بعد از انقلاب اسلامی تأییدکننده این نکته است که در انتخابات ریاست جمهوری، تعلق نامزدها به گفتمان‌ها و جریانات سیاسی، شخصیت فردی کاندیداها، گفتمان مورد تأکید و غیره هم‌راستا و تقریباً همسان با تعلقات محلی و منطقه‌ای می‌توانند در جذب آرای مردم ایفای نقش کند. سوءاستفاده از مؤلفه قومیت در انتخابات می‌تواند پیامدها و تبعات فراوانی با خود به همراه داشته باشد که از اهم آنها می‌توان به از بین رفتن رأی‌دهی آگاهانه، شعارزدگی در وعده‌ها، تضعیف هویت ملی و افزایش افشاگری و ایراد اتهام نامزدها به یکدیگر و احتمال مداخله بیگانگان اشاره کرد. به همین دلیل یکی از تأکیدات مسئولان نظام جمهوری اسلامی عدم



انتخابات و اقوام

بهره‌برداری از چنین موضوعاتی بوده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان افسری و تربیت پاسداری دانشگاه امام حسین (علیه السلام) با تأکید بر اینکه امنیت و آرامش موجود کشور در منطقه پرآشوب، یکی از افتخارات جمهوری اسلامی است که مورد هدف قدرت‌های استکباری قرار دارد خطاب به کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری فرمودند: «امنیت ملی و آرامش کشور بسیار مهم است و کاندیداهای محترم مراقب باشند به خاطر خطای در تشخیص، گسل‌های اعتقادی، جغرافیایی، زبانی و قومی را تحریک نکنند و در مسیر طراحی ناتمام دشمن قرار نگیرند؛ زیرا اگر کسی بخواهد بر خلاف امنیت کشور اقدام کند قطعاً با سیلی سختی مواجه خواهد شد».

از این رو تشویق اقوام به مشارکت بیشتر در انتخابات می‌تواند از اهمیت بسیاری برخوردار باشد و می‌تواند به تقویت دموکراسی و نظام سیاسی کشور کمک کند. در این راستا، تشویق اقوام به مشارکت در انتخابات می‌تواند به اشکال زیر انجام شود؛

۱. تقویت هویت ملی در کشور؛ تقویت عناصر هویت ملی و اسلامی سبب یکدل شدن همه اقوام خواهد شد و افراد را به شرکت فعال‌تر در فرآیندهای سیاسی تشویق می‌کند. همچنین، وجود نامزدها و گروه‌های سیاسی که با مسائل و نیازهای اقوام همخوانی دارند، می‌تواند افراد را به شرکت در انتخابات ترغیب کند.

۲. اطلاع‌رسانی و برگزاری برنامه‌های آموزشی؛ اطلاع‌رسانی مرتبط با انتخابات و اهمیت مشارکت برای اقوام امری حیاتی برای توسعه سیاسی و اجتماعی در کشور است. این برنامه‌ها می‌توانند شامل تبلیغات در رسانه‌های اجتماعی، تلویزیون و رادیو، برگزاری نشست‌ها و همچنین کارگاه‌های آموزشی باشند.

۳. ایجاد فرصت‌های برابر؛ اطمینان از اینکه اقوام دسترسی برابری به فرصت‌های سیاسی و اقتصادی داشته باشند و حق رأی و شرکت در فعالیت‌های سیاسی را داشته باشند به عنوان پارامتری برای حضور گسترده مردم محسوب می‌شود.

۴. شناسایی مسائل و نیازها؛ اقوام به دلیل تنوع محیط جغرافیایی و فرهنگ خاص خود با نیازها و مسائلی همراه هستند که شناسایی و تأکید بر حل آنها توسط نمایندگان منتخب می‌تواند تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی اقوام باشد و ممکن است



● انتخابات و اقوام

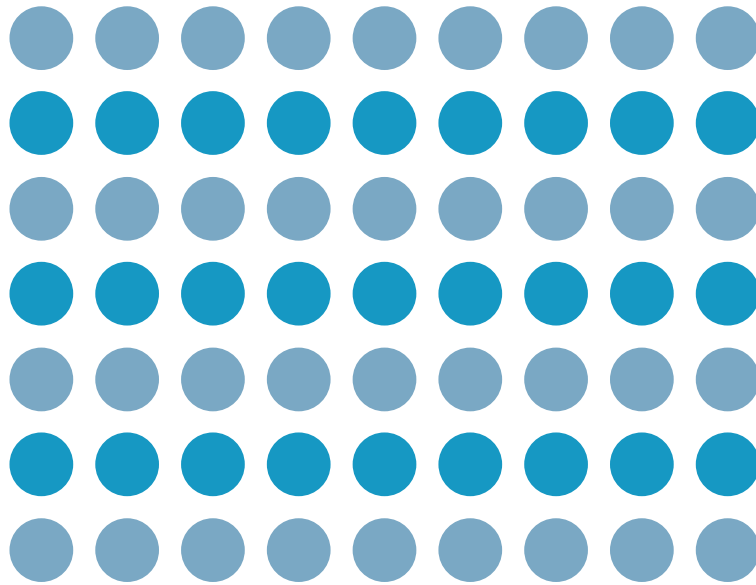
به تقویت هویت سیاسی آنها دامن بزند. طبیعی است که این فرایند به عنوان بخشی از جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان، بر تصمیمات سیاسی آنان شود.





یادداشت هشتم

انتخابات و سرمایه اجتماعی



انتخابات و سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی از مهمترین شاخص‌های اجتماعی موجود در هر جامعه است. سرمایه اجتماعی مفهومی پیچیده و چندوجهی است و منبع ایجاد آن تعاملات اجتماعی است.

انتخابات و سرمایه اجتماعی ارتباط متقابل و پیچیده‌ای دارند. مشارکت سیاسی یکی از این مصادیق و زمینه‌های ایجاد سرمایه اجتماعی است؛ به شکلی که، مشارکت فعال و پرشور مردم در انتخابات باعث ارتقای سرمایه اجتماعی در یک کشور می‌شود.

انتخابات می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر سرمایه اجتماعی داشته باشد. این تأثیرات ممکن است به شکل‌های مختلفی مانند افزایش اعتماد، تقویت شبکه‌های اجتماعی، تحریک مشارکت اجتماعی و تقویت همبستگی و اتحاد در جامعه ظاهر شود. ارتقای سرمایه اجتماعی و افزایش امید، اعتماد و مشارکت مردم در انتخابات از مهمترین مسئولیت‌های دولت است و همه دستگاه‌های دولتی مکلف‌اند برای تحقق این هدف برنامه‌ریزی دقیق و موثری انجام دهند.

مقام معظم رهبری در رابطه با اهمیت اعتماد مردم به نظام اسلامی همواره در سخنان خویش بر نقش پررنگ انتخابات اذعان داشتند و حضور پرشور همه آحاد مردم در انتخابات را نشانه اعتماد مردم به نظام و افزایش سرمایه اجتماعی نظام دانستند و بر رابطه مستقیم انتخابات بر سرمایه اجتماعی تاکید داشتند.

در چند دهه اخیر در حوزه‌های گوناگون علوم سیاسی و علوم اجتماعی توجه ویژه‌ای به بحث سرمایه اجتماعی شده است. سرمایه اجتماعی به مثابه سازه یا مفهومی پیچیده و چندوجهی به مفهومی دلالت دارد که منبع اصلی زایش آن اجتماع یعنی حوزه تعاملات اجتماعی است. این مفهوم با تحلیل رفتارهای فردی در پی حل مسائل جمعی است. بدین سبب سرمایه اجتماعی به مثابه متغیر تعیین‌کننده‌ای در مسائل و موضوعات مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به شمار می‌رود. سرمایه اجتماعی به مجموعه ارتباطات، تعاملات، اعتماد، همبستگی و مشارکت‌های اجتماعی اشاره دارد که در یک جامعه وجود دارد. این مفهوم بر این ایده مبتنی



انتخابات و سرمایه اجتماعی

است که افراد و گروه‌ها در یک جامعه، از طریق روابط اجتماعی و همکاری با یکدیگر، سرمایه‌ای اجتماعی را تشکیل می‌دهند که می‌تواند به توسعه و پایداری جامعه کمک کند. سرمایه اجتماعی شامل عناصر مختلفی است که شامل موارد زیر می‌شود.

۱. ایجاد اعتماد میان اعضای جامعه؛ اعتماد میان افراد و گروه‌ها، به عنوان یک عنصر اساسی سرمایه اجتماعی، نقش بسزایی در تقویت روابط اجتماعی و همبستگی دارد.
۲. همبستگی و همکاری بین اعضا؛ همبستگی و همکاری میان افراد و گروه‌ها نقش مهمی در ساختار و توسعه جوامع دارد و به تقویت سرمایه اجتماعی کمک می‌کند.
۳. توسعه شبکه‌های اجتماعی؛ شبکه‌های اجتماعی که توسط افراد و گروه‌ها برقرار می‌شود، به عنوان یک منبع قدرت و سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود.
۴. مشارکت اجتماعی؛ فعالیت‌ها و مشارکت‌های اجتماعی نقش مهمی در تقویت سرمایه اجتماعی دارد و به توسعه جامعه کمک می‌کند.

بنابراین، سرمایه اجتماعی به عنوان یک عنصر بسیار مهم در توسعه و پایداری جامعه شناخته می‌شود. سرمایه اجتماعی دارای مصادیق مختلف در زمینه‌های متعدد است. یکی از این مصادیق و زمینه‌های ایجاد سرمایه اجتماعی فرایند مشارکت سیاسی شهروندان در انتخابات است. سرمایه اجتماعی در پی آن به وجود می‌آید که شهروندان کنش‌های فردی خود را از طریق اعمال جمعی یا در فرایندهایی اجتماعی انجام دهند. به بیان دیگر، برای مثال شهروندان تنها در صورت تعامل با رسانه یا از طریق گفتگوی اجتماعی با همدیگر در مسیر مشارکت انتخاباتی، سرمایه اجتماعی را افزایش خواهند داد.

امروزه مشارکت سیاسی به منزله مهمترین شاخص توسعه سیاسی ملت‌ها به مثابه امری گریزناپذیر به شمار می‌آید و همه دولت‌ها و جوامع به تشویق مشارکت سیاسی شهروندان و افزایش نقش و شرکت آنها در فعالیت‌های سیاسی ناگزیر هستند. یکی از مهمترین تجلی‌گاه‌های مشارکت سیاسی در هر جامعه، انتخابات است. با توجه به اینکه انتخابات برجسته‌ترین نماد مردم‌سالاری و توسعه‌یافتگی سیاسی به حساب می‌آید، فرایند اجرای موفق و پرشور آن در افزایش میزان سرمایه اجتماعی در جامعه تأثیر گذار است.



انتخابات و سرمایه اجتماعی

از این رو، به کارگیری فرایندی متناسب با شرایط اجتماعی جامعه می‌تواند با افزایش اعتماد سیاسی، موجبات مشارکت بیشتر را فراهم آورده و مشروعیت نظام سیاسی را ارتقا بخشد. از این رو انتخابات و سرمایه اجتماعی ارتباط متقابل و پیچیده‌ای دارند و لازم و ملزوم یکدیگر هستند. انتخابات می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر سرمایه اجتماعی داشته باشد. این تأثیرات ممکن است به اشکال مختلفی مانند افزایش اعتماد، تقویت شبکه‌های اجتماعی، تحریک مشارکت اجتماعی و تقویت همبستگی و همکاری در جامعه ظاهر شود.

در ادامه به برخی از تأثیرات مهم انتخابات بر سرمایه اجتماعی اشاره خواهیم کرد؛

- اولین تأثیر مهم انتخابات بر افزایش سرمایه اجتماعی افزایش اعتماد بین مردم و نظام سیاسی است. انتخابات می‌تواند با ایجاد فرصت برای مشارکت شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری، اعتماد شهروندان به نظام سیاسی و همچنین به اعتماد به یکدیگر را تقویت کند.
- دومین تأثیر مهم انتخابات بر سرمایه اجتماعی، تقویت شبکه‌های تعاملات اجتماعی است. فرایند انتخابات می‌تواند باعث تقویت و گسترش شبکه‌های اجتماعی شود. در طول فرایند انتخابات، افراد ممکن است با یکدیگر در مورد مسائل سیاسی و اجتماعی بحث و گفتگو کنند و این موضوع می‌تواند منجر به تقویت روابط اجتماعی و افزایش میزان سرمایه اجتماعی در جامعه شود.

- سومین تأثیر مهم انتخابات تحریک مشارکت اجتماعی است. انتخابات می‌تواند شهروندان را به مشارکت فعال‌تر در جامعه امور تحریک کند. شرکت در فرایند رأی‌گیری و مشارکت در انتخابات، به شهروندان این فرصت را می‌دهد که خود را به عنوان اعضای فعال جامعه نشان دهند و ممکن است باعث تحریک مشارکت‌های اجتماعی در زمینه‌های دیگر نیز بشود.
- آخرین تأثیر انتخابات بر سرمایه اجتماعی تقویت همبستگی و همکاری بین اعضای جامعه است. فرایند انتخابات ممکن است با افزایش حس هویت مشترک و همبستگی میان افراد یک جامعه، به تقویت همبستگی و همکاری در جامعه کمک کند.



انتخابات و سرمایه اجتماعی

در چنین شرایطی، امکان مشارکت شهروندان پس از پایان انتخابات، در توسعه اقتصادی و اجتماعی محیط پیرامون خود نیز افزایش خواهد یافت.

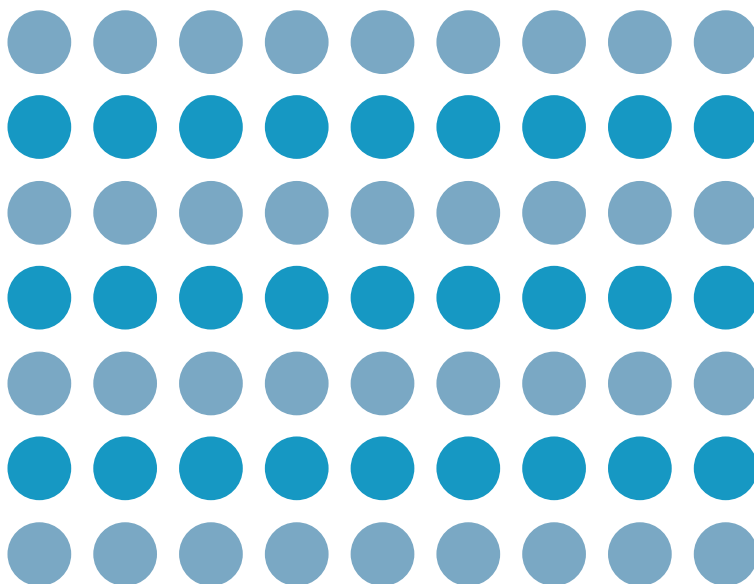
به طور کلی، انتخابات به عنوان یک فرایند مهم در زندگی سیاسی یک کشور، می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر سرمایه اجتماعی داشته باشد و به تقویت و پایدارسازی جامعه کمک کند. ارتقای سرمایه اجتماعی و افزایش امید، اعتماد و مشارکت مردم در انتخابات از مهمترین مسؤلیت‌های هر دولتی است و همه دستگاه‌های دولتی مکلفاند برای تحقق این هدف برنامه‌ریزی دقیق و موثری انجام دهند. مقام معظم رهبری نیز بارها در رابطه با اهمیت اعتماد مردم به نظام اسلامی در سخنان خود بر نقش پررنگ انتخابات اذعان داشته و حضور پرشور همه آحاد مردم در انتخابات را نشانه اعتماد مردم به نظام و افزایش سرمایه اجتماعی دانسته‌اند.



۹

یادداشت نهم

انتخابات و نظارت عمومی



انتخابات و نظارت عمومی

- نظارت اصل اساسی حکمرانی، و تضمین کننده حداقلی از انطباق عملکردها با قوانین، اهداف، ارزش‌ها و چشم‌اندازهاست.
- هیچ حکومتی، اعم از مردم‌سالار و غیرمردم‌سالار، بی‌نیاز از سازوکارهای نظارتی نیست.
- از وجوه تمایز نظام‌های مردم‌سالار از غیرمردم‌سالار نهادینگی روش‌های نظارت عمومی بر عملکرد نهادها و افراد است.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی، در بخش‌های مختلفی، نظارت عمومی مستقیم و غیرمستقیم را مورد تاکید قرار داده است.
- انتخابات هم به عنوان سازوکار تشکیل مجلس به عنوان یکی از نهادهای مهم نظارتی، و هم به عنوان سازوکار اثربخشی نظارت بر خود این نهاد، نقش مهمی در تحقق نظارت عمومی در کشور ایفا می‌کند.
- هر چه مشارکت گسترده‌تر، و مجلس از پشتوانه مردمی قوی‌تری برخوردار باشد، از قدرت نظارت بیشتری نیز برخوردار خواهد بود.

نظارت به معنای کلی بررسی عملکردها از منظر انطباق با قوانین، ارزش‌ها، و اهداف پیش‌بینی‌شده، از مهمترین ارکان هر نوع حکمرانی است. بدون نظارت به طور قطع اعمال خلاف قانون و فسادآلود گسترش یافته و امکان موثری برای بررسی عملکرد مسئولان در عمل به وعده‌ها و انجام برنامه‌ها وجود نخواهد داشت. در نظام‌های غیرمردم‌سالار این نظارت‌ها عمدتاً بدون مشارکت واقعی مردم و نهادهای مردمی و بیشتر از طریق سازوکارهای درونی حکومت و در فضایی نه چندان شفاف و علنی، صورت می‌گیرد. اما در نظام‌های مردم‌سالار، سازوکارهای نظارت عمومی مستقیم و غیرمستقیمی وجود دارد که از طریق آنها مردم نقش نظارتی خود را بر عملکرد حکومت اعمال می‌کنند. نظارت مستقیم عمدتاً از طریق مطبوعات و سازمان‌های مردم‌نهاد صورت می‌گیرد و نظارت غیرمستقیم از طریق انتخاب نهادهای نظارتی حاکمیتی که مهمترین آن مجلس است. تجربه و آمارهای جهانی نیز نشان می‌دهد



انتخابات و نظارت عمومی

که هر چه نظام‌ها مردم‌سالارتر و نظارت عمومی قوی‌تر باشد، عملکردها بهتر و فساد کمتر خواهد بود. در قانون اساسی ما نیز بر نقش مردم در حکمرانی به طور عام و نقش نظارت عمومی به طور خاص تاکید شده است. در مقدمه قانون اساسی آمده است که «لازم است که امت مسلمان با انتخاب مسئولین کاردان و مؤمن و نظارت مستمر بر کار آنان به طور فعالانه در ساختن جامعه اسلامی مشارکت جویند». همانطور که گفتیم، بخشی از این نظارت عمومی از طریق رسانه‌ها، احزاب، نهادها، انجمن‌ها و سازمان‌های مردمی گوناگون به طور مستقیم انجام می‌شود، اما نظارت غیرمستقیم را مردم با انتخاب مجلس شورای اسلامی به عنوان یک نهاد نظارتی تاثیرگذار اعمال می‌کنند.

بر اساس اصل ۵۵ قانون اساسی دیوان محاسبات به عنوان بازوی نظارتی اصلی مجلس در امور مالی بر کلیه مسائل مالی همه نهادهایی که از بودجه عمومی کشور استفاده می‌کنند نظارت نموده و گزارش آن را به مجلس می‌دهد و برای عموم منتشر می‌کند. بر اساس اصل ۷۶، مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد. همین یک اصل قدرت نظارتی مجلس را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، هیچ موضوعی از دایره تحقیق و تفحص مجلس خارج نشده است. بر اساس اصل ۷۷ همه عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادهای موافقتنامه‌های بین‌المللی باید به تایید مجلس برسد که متضمن یک نظارت دقیق و همه‌جانبه است. بر اساس اصل ۷۸ هر گونه تغییر در خطوط مرزی باید به تصویب چهارپنجم مجموع نمایندگان مجلس برسد. بر اساس اصل ۸۰ گرفتن یا دادن وام و کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد. بر اساس اصل ۸۴ هر نماینده در برابر همه ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید. بر اساس اصول ۸۸ و ۸۹ نمایندگان می‌توانند از رئیس‌جمهور و وزراء در خصوص وظایف‌شان سوال نموده و آنها را استیضاح نمایند. در یک رویکرد کلی نیز مجلس شورای اسلامی به عنوان نهاد قانونگذار می‌تواند نقش مهمی در وضع قوانین نظارتی قوی و یا اصلاح قوانین نظارتی کنونی داشته باشد. با توجه به موارد فوق اهمیت انتخابات به عنوان سازوکار انتخاب



انتخابات و نظارت عمومی

یکی از مهمترین دستگاه‌های نظارتی کشور یعنی مجلس شورای اسلامی روشن می‌شود. به عبارت دیگر مردم با انتخاب خود این وکالت را به نمایندگان می‌دهند که از جانب آنها بر کلیه امور کشور نظارت نموده و تخطی‌کنندگان از قوانین را با سازوکارهای تصریح شده در قانون مجازات نمایند.

اما انتخابات از جنبه دیگری نیز با نظارت عمومی ارتباط دارد و در واقع انتخابات سازوکاری برای تاثیربخشی به نظارت بر خود نمایندگان نیز هست. به هر حال خود مجلس به طور عام و تک تک نمایندگان به طور خاص نیز باید مشمول نظارت قرار گیرند. این نظارت نه تنها از طریق ساز و کارهای درونی خود مجلس صورت می‌گیرد، بلکه یک بعد مردمی هم دارد. به هر حال نمایندگان چه در قالب احزاب و چه به صورت انفرادی در دوران تبلیغات برنامه‌ها و شعارهایی را مطرح نموده و از مردم رای گرفته‌اند. در صورتی که آنها نتوانند به برنامه‌های وعده داده شده در سطوح ملی و محلی عمل کنند یا وظایف نظارتی و سایر وظایف خود را انجام دهد و یا دچار لغزش‌های سیاسی یا اقتصادی شوند، در معرض قضاوت و نظارت عمومی قرار گرفته و از مقبولیت می‌افتند. اما ساز و کاری که این بعد نظارتی مردم را تحقق عملی می‌بخشد انتخابات است. به عبارت دیگر مردم با رای مجدد یا عدم رای مجدد به نمایندگان یا احزاب حاکم در انتخابات بعدی در واقع نظر نظارتی مثبت یا منفی خود را بیان می‌کنند. بنابراین، انتخابات برای این بعد نظارت عمومی نیز اهمیت خاص دارد.

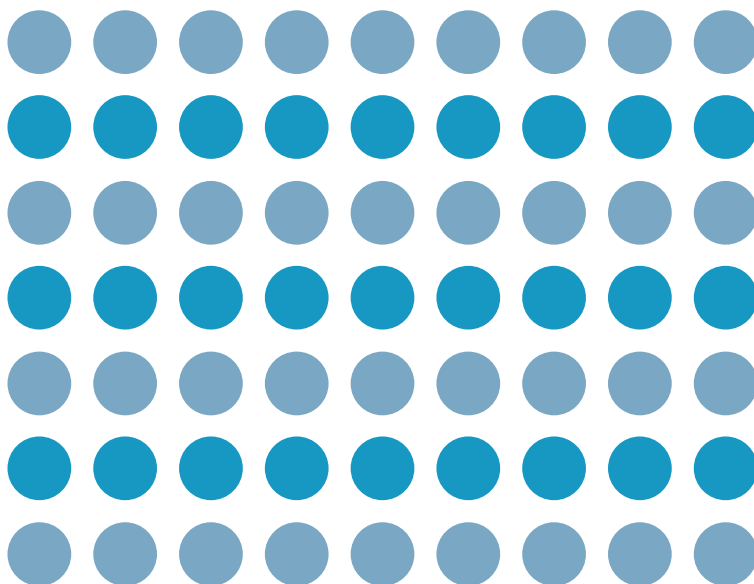
با توجه به مطالب فوق اهمیت مشارکت گسترده در انتخابات روشن می‌شود. هرچه مردم مشارکت بیشتری در انتخابات داشته باشند و نمایندگان یا احزاب با نصاب‌های بالاتری به مجلس راه یابند، مجلس از وکالت قوی‌تری از سوی مردم برای ایفای وظایف نمایندگی و نظارتی خود برخوردار خواهد بود، و بهتر خواهد توانست در برابر فساد، قانون‌گریزی، و ضعف عملکرد نهادها و مسئولان عکس‌العمل نشان دهد. نفس مشارکت گسترده یعنی مردم در سطح گسترده ناظر عملکرد مجلس بوده و اکنون می‌خواهند به عملکرد آن نمره دهند. اما، عدم استفاده از حق رای به نوعی عدم استفاده مردم از ابزارهای نظارتی خود تلقی می‌شود. بنابراین، مشارکت گسترده نقش موثری در ایجاد مجلسی قوی، با اعتماد به نفس، و مصمم به انجام وظایف نظارتی خواهد داشت.



۱۰

یادداشت دهم

انتخابات و مردم سالاری دینی



انتخابات و مردم‌سالاری دینی

انتخابات از مهمترین ابزارهای حکومت‌های مردم‌سالار به شمار می‌آید و حکومت مردم‌سالاری دینی نیز از این امر مستثنی نیست.

دموکراسی‌های غربی بر مبنای اومانیسم، مادی‌گرایی، سکولاریسم و لیبرالیسم و ویژگی‌های خاص فرهنگ غربی شکل گرفته‌اند و به کارگیری غیرنقادانه این مدل در جوامع اسلامی مشکلات و کاستی‌های فراوانی دارد.

با توجه به ریشه داشتن دموکراسی لیبرال در فرهنگ غربی و تفاوت‌های فرهنگی و ساختاری جوامع غربی با جوامع مبتنی با فرهنگ اسلامی، به کارگیری مستقیم و غیرنقادانه دموکراسی در جوامع مبتنی بر شریعت اسلامی و فرهنگ دینی باعث بروز مشکلات و شکاف‌های عمیقی در این جوامع می‌شود و متفکران و اندیشمندان اسلامی برای اجتناب از کاستی‌ها و نارسایی‌های دموکراسی غربی و سازگار کردن آن با آموزه‌های اسلامی برای جوامع خویش مدل مردم‌سالاری دینی را ابداع کردند. انتخابات و مردم‌سالاری دینی ارتباط عمیق و مستقیمی با هم دارند و انتخابات باعث ثبات و قوام مردم‌سالاری دینی و از لوازم تحقق آن در جامعه است.

انتخابات از مهم‌ترین ابزارهای حکومت‌های دموکراتیک جدید به شمار می‌آید. انتخابات در این نظام‌های دموکراتیک به مثابه مهمترین ابزار جذب و به کارگیری مشارکت شهروندان در قدرت با هدف نفی استبداد و به کارگیری اراده عمومی مردم در جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد و دارای کارکرد ثبات‌بخش و آرامش‌بخش در جامعه است. پدیده دموکراسی و انتخابات پدیده‌هایی مدرن هستند که در بستر اومانیسم غربی و اندیشه‌های سکولار مدرن حاصل از عصر روشنگری و انقلاب فرانسه و لیبرالیسم در غرب شکل گرفته و مبتنی بر ارزش‌ها و آرمان‌های جوامع غربی است. در نظام دموکراتیک غربی، سکولاریسم، لیبرالیسم و مادی‌گرایی به عنوان مبنای دموکراسی در نظر گرفته می‌شوند و در آن نظام‌ها تلاش می‌شود حاکمیت مطلق به رای اکثریت مردم واگذار شود و خواست مردم به عنوان ملاک و دآوری نهایی قرار گیرد.



انتخابات و مردم‌سالاری دینی

با توجه به ریشه داشتن دموکراسی لیبرال در فرهنگ غربی و تفاوت‌های فرهنگی و ساختاری جوامع غربی با جوامع مبتنی با فرهنگ اسلامی، به کارگیری مستقیم و غیرنقادانه دموکراسی در جوامع مبتنی بر شریعت اسلامی و فرهنگ دینی باعث بروز مشکلات و شکاف‌های عمیقی در این جوامع می‌شود و متفکران و اندیشمندان اسلامی برای اجتناب از کاستی‌ها و نارسایی‌های دموکراسی غربی و سازگار کردن آن با آموزه‌های اسلامی برای جوامع خویش مدل «مردم‌سالاری دینی» را ابداع کردند.

مردم‌سالاری دینی شیوه‌ای از حکومت‌داری در کشورهای اسلامی است که شهروندان دین‌باور در چارچوب آموزه‌های شریعت، مشارکتی فعال در زندگی سیاسی دارند و از هر گونه استبداد فردی در تصمیم‌گیری‌های عمومی اجتناب می‌کنند. الهی بودن ذات حاکمیت و واگذاری حاکمیت از طرف خداوند به مردم را دو عنصر اصلی این نوع حکومت دانسته‌اند.

رابطه بین انتخابات و مردم‌سالاری دینی می‌تواند پیچیده و چندوجهی باشد. در حکومت مردم‌سالاری دینی، اصول ارزشی دین اسلام و آموزه‌های اسلامی بر نظام سیاسی و حکومت حاکمیت مطلق دارد. انتخابات در چنین نظامی متأثر از باورها و ارزش‌های دینی است و مراجع، نهادهای مذهبی و ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی در شکل دادن به روند حکومت و انتخابات نقش اساسی دارند. در برخی از دموکراسی‌های مذهبی، هویت مذهبی نامزدهای سیاسی و احزاب ممکن است عامل مهمی در انتخابات باشد و رهبران یا سازمان‌های مذهبی ممکن است از نامزدها یا سیاست‌های خاصی بر اساس آموزه‌های دینی حمایت کنند. از سوی دیگر، انتخابات در یک مردم‌سالاری دینی بر اساس قوانین و اصول اسلامی اداره می‌شود و تضمین می‌کند که روند انتخابات برای همه افراد با هر دین و عقیده‌ای منصفانه و فراگیر است. در چنین مواردی، رابطه بین انتخابات و مردم‌سالاری دینی ممکن است متضمن ایجاد توازن بین دین و نیاز به حمایت از ارزش‌های دموکراتیک مانند برابری، آزادی بیان، و حق مشارکت در روند سیاسی باشد. در نهایت، رابطه بین انتخابات و مردم‌سالاری دینی بسته به زمینه خاص و تعامل بین نهادهای



انتخابات و مردم‌سالاری دینی

مذهبی و سیاسی می‌تواند بسیار متفاوت باشد. توجه به ظرایف و پیچیدگی‌های این رابطه هنگام بررسی تلاقی دین و دموکراسی در یک کشور یا جامعه خاص اهمیت می‌یابد.

ویژگی‌های کلیدی مردم‌سالاری دینی شامل موارد زیر است؛

۱. خصلت دینی نظام سیاسی؛ در مردم‌سالاری دینی، ارزش‌ها و آموزه‌های دینی در چارچوب حقوقی و سیاسی دولت ادغام شده است. دولت در این جوامع از اصول دینی و آموزه‌های شریعت اسلامی را ملاک تقنین قوانین قرار می‌دهد.

۲. حمایت از حقوق مدنی افراد؛ مردم‌سالاری دینی معمولاً از حقوق افراد برای انجام آزادانه اعتقادات خود حمایت می‌کند و حمایت قانونی برای اقلیت‌های مذهبی فراهم می‌کند.

۳. نقش مقامات مذهبی؛ رهبران و نهادهای مذهبی ممکن است نقشی رسمی یا غیررسمی یا مستقیم و غیرمستقیم در روند سیاسی داشته باشند، مانند شرکت در قانون‌گذاری یا مشاوره به قانونگذاران یا تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی بر اساس آموزه‌های دینی.

۴. ایجاد توازن بین دین و دولت؛ در برخی موارد، دموکراسی‌های دینی تلاش می‌کنند تا تأثیر دین را با اصول سیاسی متعادل کنند تا تضمین کنند که حقوق و آزادی‌های همه شهروندان، صرف‌نظر از اعتقادات مذهبی‌شان، رعایت می‌شود.

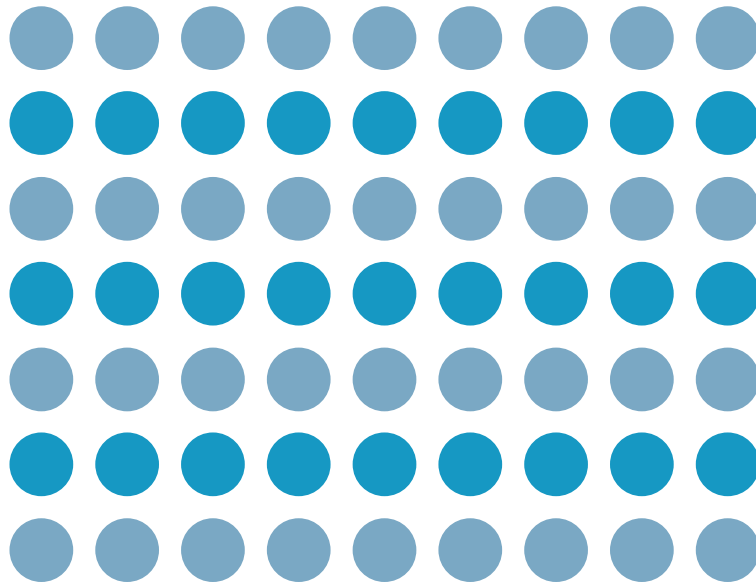
بنابراین، مردم‌سالاری دینی بر مشروعیت الهی-مردمی حکومت تأکید می‌کند. در حکومت مردم‌سالاری دینی، انتخابات نقش و جایگاه برجسته‌ای دارد و مردم در فرآیند تصمیم‌سازی در چارچوب احکام شریعت شرکت می‌کنند. بر این اساس، در مردم‌سالاری دینی جوهره دموکراسی به رسمیت شناخته شده و در کنار آن با پذیرش مرجعیت دین به عنوان منبع معرفت‌شناختی به توجیه و تحلیل حکومت مردم‌پرداخته می‌شود. انتخابات در مردم‌سالاری دینی نقش برجسته‌ای دارد و به عنوان جوهره و ستون فقرات مردم‌سالاری دینی شناخته می‌شود.



۱۱

یادداشت یازدهم

کارویژه سیاسی انتخابات



● کارویژه سیاسی انتخابات

کارآمدی یک سیستم سیاسی با توان آن نظام در نیل به اهداف و برنامه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، منطقه ای و... ترسیم‌شده ارزیابی می‌شود. نیل بدین مهم‌هنگامی امکان‌پذیر است که کارگزاران یک نظام سیاسی حداقل در داخل توان تحقق سه اصل مهم یعنی ایجاد اجماع و همبستگی در جامعه، مشروعیت‌سازی و مهم‌تر از همه فراهم ساختن بستر برای رضایتمندی اقتصادی و سیاسی در بین مردم را داشته باشند سه کارکردی که ارتباط تنگاتنگی با افزایش مشارکت سیاسی به‌ویژه مشارکت انتخاباتی دارد.

در ساختار سیاسی نظام جمهوری ایران دو رکن آن یعنی اسلامیت و جمهوریت که رکن اول کارکرد مشروعیت بخشی و رکن دوم نقش مقبولیت‌دهی را دارند بیانگر این مهم است که یکی از ابزارهای کارآمدی این نظام، توسعه سیاسی و به‌خصوص در پایین‌ترین سطح آن یعنی افزایش مشارکت انتخاباتی است.

کارآمدی یک نظام سیاسی نه تنها سبب برقراری نظم و ثبات سیاسی در داخل می‌شود بلکه با جلوگیری از وقوع بحران‌های اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیکی به دلیل ارتقای سطح مقبولیت و مشروعیت آن نظام، امکان بقا و تداوم حیات سیاسی آن رژیم سیاسی را فراهم می‌کند.

انتخابات مجلس شورای اسلامی فرصتی است برای مردم که نظر خودشان را نسبت به شیوه مدیریت مجلس ابراز کنند و اگر نسبت به آن نارضایتی داشته باشند، کسی یا گروهی دیگر را که مناسب‌تر و با کفایت‌تر می‌شناسند، جایگزین کنند. بدین وسیله سیستم سیاسی رو به اصلاح و بهبودی و تکامل تدریجی پیش می‌رود.

انتخابات سبب افزایش اعتماد عمومی به نظام سیاسی و انقلاب اسلامی می‌شود. این امری روشن است که مردم نسبت به نظام و مسئولینی که خود انتخاب کرده اند، اعتماد و اطمینان بیشتری دارند، تا کسانی که به روش‌های دیگر قدرت را به دست آورده اند، هنگامی که اعتماد اجتماعی به نظامی سیاسی بیشتر شود، استحکام و ماندگاری اجتماعی آن نیز بالاتر خواهد رفت و منجر به افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه می‌گردد.



● کارویژه سیاسی انتخابات

انتخابات ماهیتاً منجر به افزایش کارآمدی و مقبولیت نظام سیاسی و انقلاب می‌شود. در نتیجه می‌تواند به ثبات سیاسی و امنیت انقلاب و نظام منجر شود، چون از طرفی زمینه را برای افزایش رضایتمندی مردم از طریق مشارکت دادن گروه‌های مختلف نیز فراهم می‌کند و از سوی دیگر، امکان گردش نخبگان را در چارچوب ارزشها و مبانی انقلاب اسلامی فراهم می‌نماید و با جذب گروه‌های مختلف برای مشارکت سیاسی، احساس طردشدگی و انزوای سیاسی آنها از بین خواهد رفت. یکی دیگر از کارویژه‌های مهم انتخابات، جلوگیری از اختلافات خشونت آمیز و استمرار ثبات سیاسی در کشور می‌باشد. انتخابات این زمینه را فراهم می‌کند که مردم، بدون توسل به روشهای خشونت آمیز مانند شورش، اعتصاب و آشوبهای خیابانی... تقاضاهای سیاسی خود را ارائه دهند، در نتیجه انتخابات می‌تواند از شکاف اجتماعی در جامعه، که منجر به خدشه دار شدن امنیت ملی شود جلوگیری نماید. انتخابات یکی از راه‌هایی است که سبب می‌شود تقاضاهای سیاسی و خواست اکثریت برای مشارکت سیاسی قانونمند و متعارف، راه خود را پیدا کند و در نتیجه، از توسل به شیوه‌های غیرمتعارف و مسیرهای غیرقانونی خودداری شود. این امر ثبات سیاسی و جابه‌جایی آرام قدرت را در پی خواهد داشت که سبب استمرار انقلاب اسلامی از طریق گردش آرام نخبگان در جامعه می‌شود.

با افزایش مشارکت انتخاباتی، مشروعیت و مقبولیت نظام فزونی یافته و با اتکا به آن مجلس در اجرای وظایف خود یعنی قانونگذاری و نظارت می‌تواند عمل نماید مجلس برآمده از چنین فرآیندی می‌تواند به عنوان عصاره ملت نمایندگی تمامی نیروهای اجتماعی و سیاسی را تسهیل کند موضوعی که همبستگی در جامعه را افزایش، سطح مشروعیت و مقبولیت نظام را ارتقا و مهم‌تر از همه رضایتمندی سیاسی را فراهم می‌کند. در جهان امروز مشارکت سیاسی افراد به عنوان عضوی از جامعه برای حاکمیت بسیار مهم است. مشارکت مردم یک کشور برای حکومت‌ها حکم مشروعیت، مقبولیت و محبوبیت در داخل و خارج از مرزهاست و مهمترین و بارزترین این مشارکت در انتخابات است.



کارویژه سیاسی انتخابات

امروزه انتخابات به عنوان اصلی‌ترین نشانه دموکراسی شناخته می‌شود و می‌توان آن را یکی از عوامل اصلی رواداری سیاسی دانست، زیرا کانال مستقیمی برای مشارکت شهروندان در تعیین رهبران و سیاست‌های نظام است. نظام مقدس جمهوری اسلامی بر حضور حداکثری مردم در انتخابات تأکید می‌کنند. حکومتی که بتواند بیشترین مشارکت در انتخابات را جلب کند نه تنها در عرصه داخلی بلکه در عرصه بین‌المللی نیز می‌تواند از موضع مقتدرانه برخوردار باشد.

از آغاز انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۱۳۵۷ تا کنون یکی از اهداف شوم استکبار جهانی دور کردن مردم از صحنه‌های انقلاب بوده و به انواع ترفندها نظیر القای ناکارآمدی مجلس شورای اسلامی، بزرگنمایی مشکلات کشور در شبکه‌های رسانه‌ای وابسته به غرب، ایجاد اختلاف بین گروه‌های سیاسی، ناکارآمد جلوه دادن نظام، به چالش کشیدن ساختار انتخابات و... در صدد ایجاد یاس و ناامیدی در جامعه و با صرف هزینه‌های بسیار بدنبال کاهش مشارکت مردم در انتخابات هستند ولی به لطف خداوند تبارک و تعالی، ملت شریف و سرافراز ایران با حضور عظیم خود در صحنه‌های گوناگون انقلاب نظیر انتخابات این حقیقت را به اثبات رسانیده‌اند که از وحدت و انسجام آنان چیزی کم نشده و استکبار و مزدوران آنان تا ابد حسرت گسستن اتحاد و یکپارچگی ملت ما را به گور خواهند برد.

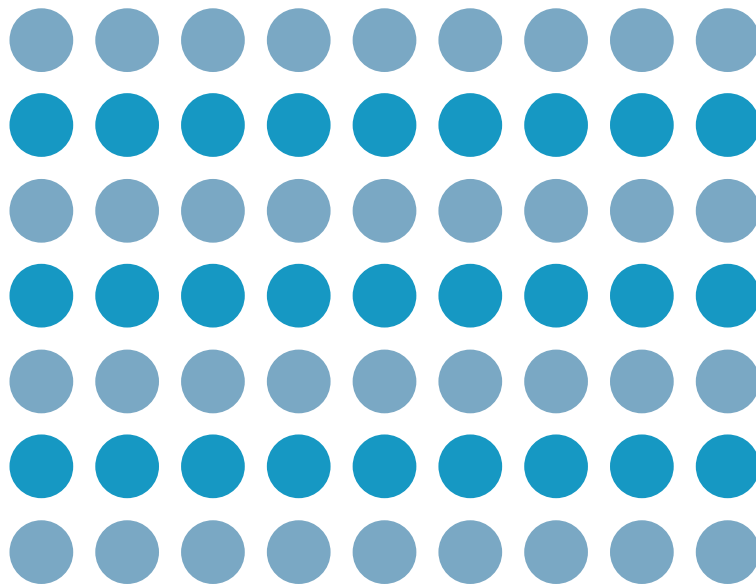
پس در کلام آخر نتیجه می‌گیریم: «یک رأی هم اهمیت دارد. هرچه انتخابات پرشورتر باشد، عظمت و اقتدار ملت ایران بیشتر در چشم مخالفان و دشمنانش دیده خواهد شد»



۱۲

یادداشت دوازدهم

انتخابات و ثبات سیاسی



انتخابات و ثبات سیاسی

انتخابات و ثبات سیاسی ارتباط بسیار روشن و مستقیمی دارند و انتخابات می‌تواند به ایجاد ثبات و آرامش سیاسی در کشور کمک کند.

ایجاد ثبات و آرامش سیاسی باید از مهمترین اهداف دولت‌ها باشد که این امر از طریق برگزاری انتخابات میسر است.

انتخابات در واقع با ایجاد محیط رقابت شفاف و سالم بین گروه‌های مختلف سیاسی باعث ایجاد همگرایی بین گروه‌ها و ایجاد آرامش سیاسی خواهد شد. انتخابات برای اینکه کارکردی ثبات‌ساز داشته باشد باید پرشور و در چارچوب قانون اساسی برگزار شود.

در جمهوری اسلامی ایران از همان روزهای نخست، توجه ویژه‌ای به انتخابات و ایجاد ثبات سیاسی از طریق آن داشتند و همواره مسئولان را به برگزاری انتخابات پرشور و مردم‌را به شرکت گسترده در انتخابات تشویق کردند.

ثبات‌سازی سیاسی از دریچه انتخابات

امروزه بر کمتر کسی اهمیت و تاثیر انتخابات بر ثبات سیاسی پوشیده است. انتخابات آزاد و دموکراتیک به طور روشن و مستقیم بر ثبات و پایداری نظام سیاسی هر کشور تاثیر مثبت دارد و باعث حفظ وحدت و یکپارچگی سیستم سیاسی و ایجاد ارتباط مثبت بین نخبگان سیاسی و سایر بخش‌های اجتماع می‌شود.

در واقع ثبات سیاسی همواره از مهمترین اهداف دولت‌ها در سیاست داخلی است. دولت‌ها برای رسیدن به این هدف از فرایند انتخابات بهره می‌برند. انتخابات با فراهم کردن بستری برای رقابت‌ها و چالش‌های گروهی و جناحی، فرصتی را برای ثبات در نظام سیاسی، ابزاری برای بیان خواست‌ها و مطالبات فردی و گروهی و عاملی برای شفاف شدن مواضع گروه‌ها و جناح‌ها و در نتیجه قانونمند کردن مشارکت سیاسی به وجود می‌آورد. مهمترین ابزار تحقق مشارکت سیاسی انتخابات است که باید در چارچوب قانون اساسی صورت گیرد. در واقع هر نوع مشارکت سیاسی خارج از جریان انتخابات در صورت مسدود بودن آن باعث ایجاد زوال و آشفتگی



انتخابات و ثبات سیاسی

سیاسی می‌شود و معمولاً فرایند مشارکت سیاسی را به طرف صورت‌های منفی آن مثل شورش، اغتشاش، کودتا و انقلاب سوق می‌دهد. این امر در نظریات علمی سیاست نیز به اثبات رسیده است.

رابطه بین انتخابات و ثبات سیاسی پیچیده و چندوجهی است. انتخابات می‌تواند به عنوان مکانیسمی برای تضمین ثبات سیاسی از طریق ارائه ابزاری مسالمت‌آمیز و مشروع برای انتقال قدرت باشد و در نتیجه احتمال درگیری‌های خشونت‌آمیز یا ناآرامی‌های داخلی را کاهش دهد از طرف دیگر انتخابات آزاد و عادلانه همچنین می‌تواند به مشروعیت دولت در نزد مردم کمک کند که این امر می‌تواند به حفظ ثبات سیاسی کمک کند. علاوه بر این، برگزاری انتخابات و رفتار بازیگران سیاسی در جریان فرآیندهای انتخاباتی می‌تواند تأثیر بسزایی بر ثبات سیاسی داشته باشد. برای مثال، اگر رهبران سیاسی و احزاب به نتیجه انتخابات احترام بگذارند، به هنجارهای دموکراتیک پایبند باشند و در انتقال مسالمت‌آمیز قدرت شرکت کنند، این می‌تواند به ثبات کمک کند.

به طور خلاصه، در حالی که انتخابات دارای پتانسیل کمک به ثبات سیاسی از طریق فراهم کردن مکانیسم‌هایی برای انتقال مسالمت‌آمیز قدرت و افزایش مشروعیت دولت است، تأثیر آن بر ثبات به طیفی از عوامل از جمله یکپارچگی فرآیند انتخابات، رفتار بازیگران سیاسی و زمینه دموکراتیک گسترده بستگی دارد.

بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی همواره توجه ویژه‌ای به امر انتخابات و مشارکت گسترده مردم در امور کشور و ایجاد ثبات سیاسی از طریق انتخابات داشتند. ایشان همواره تأکید بر فاصله گرفتن از مدل دموکراسی غربی که مبتنی بر اختلاف و ستیز است به سوی مدل مردم‌سالاری دینی که مبتنی بر وحدت کلمه و اجماع بین مردم و حکومت اسلامی است داشتند.



انتخابات و ثبات سیاسی

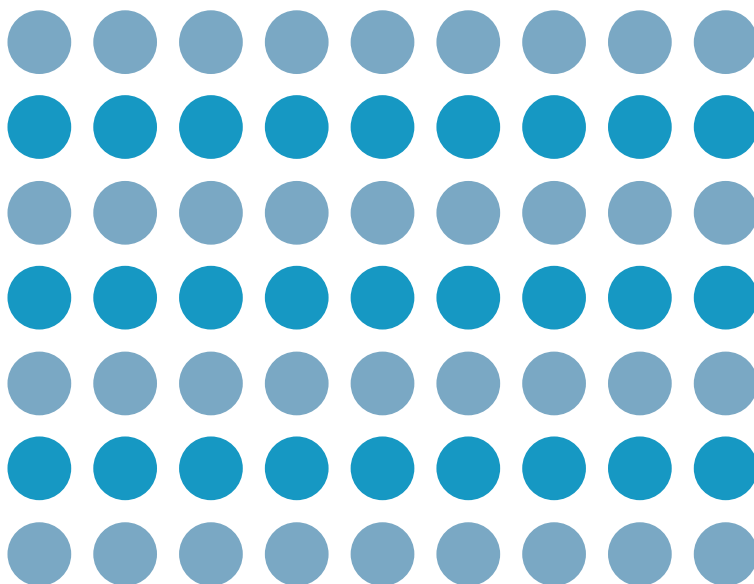
مقام معظم رهبری نیز همواره به ارتباط ویژه انتخابات و ثبات سیاسی واقف بودند و همواره در سخنرانی‌های خویش مردم و مسئولین را به حفظ آرامش سیاسی در کشور و شرکت پرشور در انتخابات و دعوت کردند. در واقع انتخابات از نظر ایشان باعث افزایش همگرایی فکری و عملی بین مردم و نظام اسلامی خواهد شد که همین امر به حفظ آرامش و ثبات سیاسی منجر می‌شود.



۱۳

یادداشت سیزدهم

انتخابات و توسعه سیاسی



انتخابات و ثبات سیاسی

انتخابات و توسعه سیاسی دارای رابطه مستقیمی هستند، بر این اساس، انتخابات و نظام انتخاباتی تاثیر مستقیمی در توسعه سیاسی دارد. انتخابات در واقع به فرآیندی گفته می‌شود که در آن افراد به منظور انتخاب نمایندگان و مقامات عمومی به صورت دموکراتیک در آن شرکت می‌کنند. توسعه سیاسی را می‌توان به مثابه فرآیند روبه افزایش ظرفیت نهادهای سیاسی حکومتی و غیرحکومتی در پاسخ به تقاضاهای جامعه در زمینه مشارکت در فرآیندهای سیاسی تعریف کرد. توسعه سیاسی شاخص‌های مختلفی دارد، از جمله ساختار سیاسی دموکراتیک، جامعه مدنی پویا و فرهنگ مدنی. انتخابات بر تمامی این شاخص‌ها تاثیر مثبت و مستقیمی دارد و این امر نشان‌دهنده لزوم مشارکت فعال و حداکثری در انتخابات است.

توسعه سیاسی از دریچه مشارکت

امروزه در مطالعات علوم اجتماعی و خصوصاً علوم سیاسی، این امر که انتخابات و نظام انتخاباتی تاثیر مستقیمی در توسعه سیاسی دارد به صورت امری اثبات‌شده درآمده است. در گذشته‌های دور در یونان باستان که همواره به عنوان مهد دموکراسی یا حکومت مردم شناخته می‌شود، به دلیل قلت جمعیت و اینکه افراد جامعه دولت شهر یونانی (شهروندان آتن) دارای روابط چهره به چهره بودند و امکان جمع آمدن عموم مردم در مجلس شهروندان وجود داشت و مردم خود به صورت مستقیم در امور سیاسی دولت شهر آتن مشارکت داشتند (دموکراسی مستقیم) و نیازی به انتخابات و نظام انتخاباتی وجود نداشت. اما در جوامع پیچیده و غالباً چند میلیونی امروزه، دیگر تجربه دموکراسی مستقیم و مشارکت عموم شهروندان در تصمیمات سیاسی امکان‌پذیر نیست و همزمان با بزرگ شدن و پیچیده شدن جوامع در قرون اخیر انتخابات و نظام‌های انتخاباتی (دموکراسی غیرمستقیم) شکل گرفتند. (انتخابات و توسعه سیاسی دارای رابطه مستقیمی هستند.)



انتخابات و توسعه سیاسی

انتخابات در واقع به فرآیندی گفته می‌شود که در آن افراد به منظور انتخاب نمایندگان و مقامات عمومی به صورت دموکراتیک در آن شرکت می‌کنند. در این فرآیند افراد با رای دادن به نامزدهای مختلف؛ نمایندگان و مقاماتی را انتخاب می‌کنند برای نمایندگی و خدمت به جامعه مسئول هستند.

توسعه سیاسی در واقع ثمره و میوه نهایی مشارکت سیاسی در یک جامعه به شمار می‌آید. توسعه سیاسی به فرآیندی گفته می‌شود که به بهبود و تقویت ساختارها و فرآیندهای سیاسی در نظام سیاسی یک کشور به منظور شرکت دادن تعداد بیشتری از شهروندان در فرآیند سیاسی میانجامد. در این تعریف افزایش مشارکت سیاسی شهروندان در تصمیم‌سازی سیاسی و افزایش رقابت بین گروهی در نظام سیاسی یک کشور به عنوان معیار توسعه سیاسی مطرح می‌شود. در نتیجه توسعه سیاسی را می‌توان به معنای فرآیند رو به افزایش ظرفیت نهادهای سیاسی حکومتی و غیرحکومتی در پاسخ به تقاضاهای جامعه در زمینه مشارکت در فرآیندهای سیاسی تعریف نمود. توسعه سیاسی شاخص‌های مختلفی دارد که انتخابات بر همه آنها تاثیر مثبت و مستقیمی می‌گذارد. این تاثیرات انتخابات بر شاخص‌های توسعه سیاسی را می‌توان در محورهای زیر دسته‌بندی نمود:

۱. ساختار سیاسی دموکراتیک: ساختار سیاسی دموکراتیک ساختاری است که در آن قدرت در دست اعضای جامعه است و می‌توانند آن را به صورت مستقیم و غیرمستقیم اعمال کنند. انتخابات به مردم فرصت می‌دهد تا در فرآیندهای سیاسی کشور خود شرکت کنند و نظرات خود را اعلام کنند و مشارکت مردم در انتخابات می‌تواند به توسعه ساختار سیاسی مردم‌سالارانه در کشور کمک کند.
۲. جامعه مدنی پویا: جامعه مدنی حوزه زندگی اجتماعی سازمان‌یافته، خودجوش و مستقل از دولت است که گستره‌ای از نهادهای صنفی، اجتماعی، گروه‌های مدنی، مطبوعات و ... را دربر می‌گیرد. لازمه ظهور جامعه مدنی را می‌توان در تعدد و تنوع و تعدد منابع قدرت و گردش نخبگان دانست. انتخابات با اجازه دادن به آحاد مردم برای انتخابات نمایندگان خود، به تقویت جامعه مدنی پویا و فعال کمک می‌کند.
۳. فرهنگ مدنی: فرهنگ سیاسی مدنی یا مشارکتی برای حفظ و تقویت مردم‌سالاری زمین و خاک مرغوب و ایده‌آلی به حساب می‌آید.



انتخابات و توسعه سیاسی

در فرهنگ سیاسی مدنی غالباً مردم در اجتماع خوش فعالند و خواستار بحث و مناظره پیرامون بحث‌ها هستند، برای امور کشور خوش دلسوز هستند، از شرکت در انتخابات احساس غرور می‌کنند و به حکومت خوش اعتماد دارند و بر این باورند می‌توانند بر فرآیندهای سیاسی تاثیر مثبت داشته باشند. همچنین انتخابات با اجازه دادن به شهروندان برای گزینش نمایندگان منتخب خویش از میان گزینه‌های مختلف باعث ایجاد روحیه تساهل و مدارای سیاسی هم در نظام سیاسی و هم در بین شهروندان جامعه می‌شود و این امر هم به توسعه سیاسی بیشتر کشور کمک می‌کند.

کلام آخر:

بنابراین؛ انتخابات و توسعه سیاسی دارای رابطه مستقیمی هستند. انتخابات به عنوان یکی از ابزارهای اساسی دموکراسی، نقش مهمی در توسعه نظام سیاسی یک کشور ایفا می‌کند. این دو مفهوم به صورت مستقیم و غیرمستقیم با یکدیگر ارتباط دارند و تاثیرات متقابلی بر یکدیگر دارند.

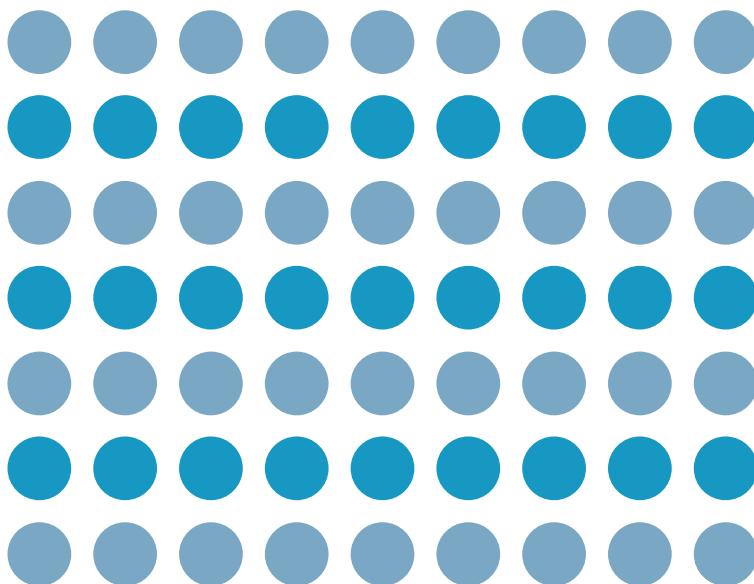
در سال‌های پس از انقلاب شکوهمند اسلامی، همواره تاکید بر ضرورت شرکت مردم در انتخابات و تشویق مردم به مشارکت حداکثری و پرشور در انتخابات نشانگر اهتمام و توجه تصمیم‌سازان اصلی نظام سیاسی نسبت به این امر بوده است. مقام معظم رهبری در سخنان خود در سال‌های اخیر بارها و بارها بر لزوم شرکت مردم در انتخابات و تشویق مردم به شرکت گسترده در انتخابات تاکید کردند و این نشان دهنده اهمیت شرکت مردم در انتخابات و جهت‌گیری کلی جمهوری اسلامی به سوی توسعه سیاسی و تحقق مردم‌سالاری دینی در ایران است.



۱۴

یادداشت چهاردهم

انتخابات و امنیت ملی



انتخابات و امنیت ملی

امنیت ملی به وضعیتی اطلاق می‌شود که یک کشور از هر گونه تهدید خارجی یا داخلی محافظت شود و امکان ادامه و توسعه فعالیت‌های خود را داشته باشد. امنیت ملی شامل محافظت از مرزها، مردم، منابع طبیعی، اقتصاد و سیاست‌های یک کشور است. عوامل مختلفی می‌توانند به امنیت ملی تأثیر بگذارند از جمله تهدیدات نظامی، تروریسم، تجارت غیرقانونی، نفوذ خارجی، بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و حتی تغییرات آب و هوایی.

امنیت ملی نقش بسزایی در تضمین آرامش و پایداری یک کشور دارد. برخی از عوامل مؤثر در امنیت ملی شامل نظام دفاعی قوی، حکومت قانونمند، تعهد به حقوق بشر، رفاه اجتماعی، اقتصاد پایدار و روابط بین‌الملل پایدار است، از آنجا که امنیت ملی چالش‌های مختلفی را در بر دارد، همکاری بین کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در جهت پیشگیری از تهدیدات و حفظ امنیت ملی بسیار حائز اهمیت است.

انتخابات، به عنوان فرآیندی که مردم مجاز به انتخاب نمایندگان و مقامات دولتی هستند، تأثیر بسزایی بر امنیت ملی دارد. نحوه انتخاب نمایندگان و مقامات دولتی می‌تواند تأثیر زیادی بر سیاست‌های داخلی و خارجی کشور داشته باشد. این سیاست‌ها می‌توانند به طور مستقیم بر امنیت ملی تأثیر بگذارند، مانند سیاست‌های امنیتی، روابط بین‌الملل و تعامل با کشورهای دیگر، از سوی دیگر فرآیند انتخابات و شرکت مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی می‌تواند به عنوان یک فرصت برای تقویت امنیت ملی عمل کند. این شامل افزایش پایبندی به قوانین و نظام قانونی، تقویت حکومت قانون و تعهد به حفظ امنیت داخلی و خارجی است.

به طور کلی، انتخابات و امنیت ملی دو مفهوم مرتبط و پرتلاطم هستند و نحوه برخورد با چالش‌های داخلی و خارجی، تصمیمات سیاسی و تعامل با کشورهای دیگر به شدت به گزینه‌های سیاسی که در فرآیند انتخابات انجام می‌شود، بستگی دارد.

یکی از ابزارهای سیاسی تعیین‌کننده در تأمین امنیت ملی در نظام‌های مردم‌سالار، از جمله جمهوری اسلامی ایران به عنوان مردم‌سالاری دینی، انتخابات است. انتخابات از طریق تولید، تقویت و توسعه قدرت ملی به تولید و تضمین امنیت ملی می‌انجامد.



انتخابات و امنیت ملی

به گونه‌ای که برگزاری انتخابات باید نمایش قدرت و اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران و نتیجه آن نیز تقویت و توسعه آن باشد. از این رو، عدم تحقق هر یک از این دو هدف کلان، به معنای ناکارآمدی این نهاد سیاسی تعیین‌کننده امنیت ملی است. از این رو، باید گفت نظام‌های انتخاباتی از لوازم بنیادی نظام‌های سیاسی مردم‌سالار هستند و اهمیت آنها نه فقط به واسطه نقش آنها در ساخت جامعه مردم‌سالار که در تاثیراتی است که کارکردهای این نظام بر ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه بر جای می‌گذارد. عرصه امنیت ملی نیز به عنوان یکی از عرصه‌های مهم زندگی سیاسی از تاثیر کارکردهای نظام انتخاباتی برکنار نیست. تحقق کارکردهای امنیت ساز نظام انتخاباتی بسته به لوازمی است که گزینش نظام انتخاباتی مناسب، نحوه فائق آمدن بر شکاف‌های قومی، مذهبی، گسترش فرهنگ سیاسی مشارکتی، تخفیف تاثیر سیاست‌های قدرت‌های بزرگ و غلبه بر مدارهای توسعه‌نیافتگی از جمله آنهاست.

انتخابات به عنوان نمادی که کارکردهایی در جهت ارتقا این پارامترها ایفا می‌کند، یکی از ارکان‌های نظام‌های نوین سیاسی در ایجاد تعادل سیستمی است. موارد زیر از جمله کارکردهایی هستند که انتخابات و سازوکار انتخاباتی در راستای برقراری امنیت و ثبات نظام سیاسی بر عهده دارند:

- پرهیز از منازعات خشونت‌آمیز
- انتخابات به عنوان نمادی که قابلیت تحقق خواست مردم را به شیوه مسالمت‌آمیز فراهم می‌کند، از این زاویه اهمیتی امنیتی پیدا می‌کند. انتخابات در حقیقت سازوکار بدیلی است برای بیان خشونت‌آمیز تقاضاهای سیاسی و اجتماعی که می‌توانند در شکل اعتصاب، اغتشاش، شورش و آشوب‌های اجتماعی ظاهر شوند.
- ایجاد ثبات سیاسی
- انتخابات یکی از نمادهایی است که در کانالیزه کردن و جذب تقاضاهای مشارکت سیاسی به مجاری قانونی و جلوگیری از بروز آنها به شیوه‌های غیرمعارف و از کانال‌های غیرقانونی انجام وظیفه می‌کند.



انتخابات و امنیت ملی

در برداشت کلی می‌توان ادعا کرد که انتخابات و سازوکار انتخاباتی پیوند وثیقی با مقوله حکمرانی خوب دارد و از این راه ضریب امنیت ملی را ارتقا می‌دهد. حکمرانی خوب با شاخصه‌هایی نظیر شفافیت، مشارکت‌جویی، پاسخگویی، ثبات سیاسی، کارایی حکومت، کنترل فساد و حکمرانی قانون شناخته می‌شود و سازوکار انتخاباتی به طور مستقیم یا غیرمستقیم در ارتقاء این شاخصه‌ها نقش دارد.

• افزایش کارایی و مشروعیت سیاسی

انتخابات کارویژه‌هایی در جهت افزایش کارایی و مشروعیت سیاسی دارد که به ثبات و امنیت سیستم منجر می‌شوند. انتخابات به دو دلیل عمده به ثبات اجتماعی و سیاسی کمک می‌کند؛ اول، با ایجاد فرایند رضایت‌ساز تحرک اجتماعی که امکان دستیابی به مناصب سیاسی را برای افراد فراهم می‌سازد و در راستای افزایش مشروعیت نظام سیاسی ایفای نقش می‌کند و دوم، با امکانی که برای گردش نخبگان و واگذاری مناصب سیاسی به افراد شایسته فراهم می‌آورد و به این صورت، به بهبود عملکرد نظام سیاسی و حفظ ثبات و امنیت آن یاری می‌رساند.

• تقویت پایبندی به نظام قانونی

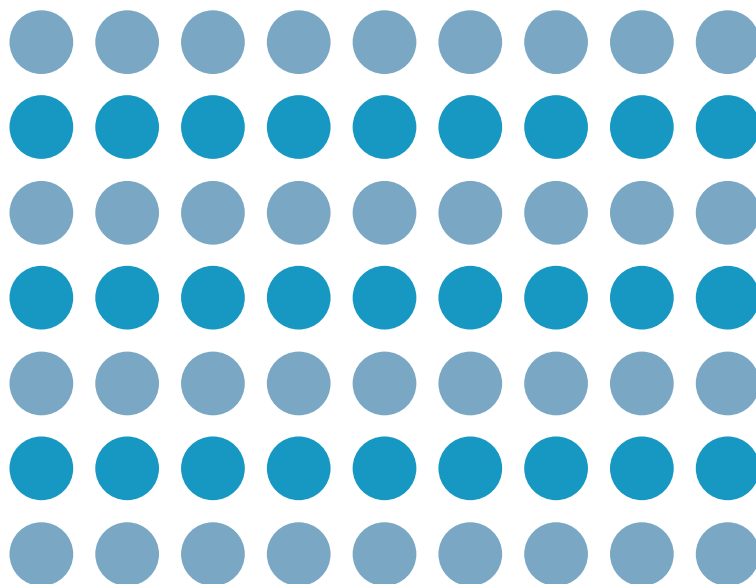
مشارکت سیاسی فرصتی است برای تقویت پایبندی به قوانین و نظام قانونی که اساس امنیت ملی را تشکیل می‌دهند. زمانی که مردم به طور فعال در فرآیند انتخابات شرکت کنند، احتمال رعایت قوانین و حفظ نظم داخلی بالاتر خواهد بود. بنابراین، همانگونه که رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند، خط قرمز انتخابات و مبارزات انتخاباتی، «امنیت ملی در کلیه ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی و هویتی آن است». به طوری که همه کنشگران سیاسی در فرآیند انتخابات باید به گونه‌ای رفتار کنند که نه تنها مؤلفه‌های امنیت ملی تضعیف نشود، بلکه با تقویت آنها ضریب امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران افزایش یابد.



۱۵

یادداشت پانزدهم

انتخابات و اقتدار ملی



انتخابات و اقتدار ملی

• اقتدار ملی به مجموعه از عوامل و شرایطی اشاره دارد که نشان‌دهنده قدرت و توانمندی یک کشور در مقایسه با سایر کشورها است. این مفهوم شامل بسیاری از عوامل اقتصادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است که به طور کلی نشان‌دهنده قدرت و توانمندی یک کشور در مقابل چالش‌ها و فرصت‌های جهانی است.

• مقوله اقتدار ملی و حضور و مشارکت سیاسی مردم در انتخابات در اندیشه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی ایران، امام خامنه‌ای از اهمیت زیادی برخوردار است.

• حضور گسترده‌تر شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری می‌شود و این حضور فعال مردم در سیاست و امور عمومی، موجب تقویت اقتدار ملی می‌شود.

• بعضی از شاخص‌ها و فاکتورهای مورد بررسی برای ارزیابی اقتدار ملی شامل قدرت نظامی، رشد اقتصادی، سطح توسعه فناوری، مشارکت سیاسی مردم، رفاه و سلامت عمومی، حضور فعال در عرصه روابط بین‌الملل هستند.

انقلاب اسلامی ایران یکی از باشکوه‌ترین و مهم‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر است که همواره مورد توجه اندیشمندان مختلف قرار گرفته است، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این انقلاب وجه مردمی بودن و حضور گسترده مردم هم در دوران آغاز و شکل‌گیری نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و هم در روند تثبیت قدرت و تداوم آن تاکنون بوده است به گونه‌ای که یکی از عناصر مهم اقتدار ملی انتخابات و حضور و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است. مقوله اقتدار ملی در اندیشه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، امام خامنه‌ای از اهمیت زیادی برخوردار است.

اقتدار ملی به عنوان یکی از مباحث اساسی در شرایط کنونی کشور، از ابعاد مختلفی مورد توجه قرار می‌گیرد. تردیدی نیست مردم پایه اصلی هرم اقتدار ملی‌اند و بار اصلی اقتدار هر ملتی بر دوش مردمی است که هویت انسانی ملی آن جامعه را تشکیل می‌دهند. اعضای جامعه با ایفای نقش بیبدیل خود به فراخور سهمی که بر عهده دارند، قاعده هرم اقتدار آن جامعه و ملت را فراهم می‌سازند. هر قدر ملتی به مسئولیت‌های خویش در مقابل قانون و حکومت و هر آنچه که برخاسته از هویت جمعی و ملی آنها است، بیشتر تن دهد و به طراز مطالبات خویش از حکومت، به



انتخابات و اقتدار ملی

ایفای نقش ملی و عمل به مسئولیت‌های مرتبط به آن پردازد، به همان میزان به اقتدار ملی که چیزی جز اقتدار جامعه، مرکب از ملت و دولت نیست افزوده می‌شود. تنظیم درست حقوق متقابل دولت و مردم و ادای متقابل آن است که مناسبات سالم اجتماعی و رشته‌های مستحکم آن را ایجاد می‌کند و موجب استواری دین و ارزش‌های متعالی و مشترک مردم می‌شود. تنها در این صورت است که به مفاد گفته امیرالمؤمنین (ع)، میتوان از اقتدار ملی سخن گفت و جامعه‌ای استوار همراه با نظامی قدرتمند در داخل و در عرصه جهانی داشت.

بر این اساس مطابق نظریات علمی جامعه‌شناختی و امنیتی، مؤلفه انتخابات در یک جامعه و حضور مردم به عنوان حامیان نظام سیاسی، همواره به عنوان یکی از بنیان‌های اصلی قدرت ملی آن کشور قرار داشته و بر این اساس واجد تأثیرگذاری مستقیم در نیل به اقتدار و امنیت ملی آن کشور است؛ به گونه‌ای که باید گفت انتخابات و اقتدار ملی به شدت به یکدیگر وابسته هستند و انتخابات به عنوان یک فرایند دموکراتیک، نقش بسیار مهمی در تعیین اقتدار ملی یک کشور دارد.

انتخابات به شهروندان یک کشور فرصت می‌دهد تا از طریق رای‌دهی، نمایندگان خود را انتخاب کرده و به عنوان یک فرایند دموکراتیک، موجب حضور گسترده‌تر شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری می‌شود و این حضور فعال شهروندان در سیاست و امور عمومی، موجب تقویت اقتدار ملی می‌شود. نحوه برگزاری و نتایج انتخابات می‌تواند تأثیر زیادی بر روی استحکام و پایداری دولت و نظام سیاسی یک کشور داشته باشد. هر چه انتخابات به شکل منظم و عادلانه‌تر برگزار شود این موضوع به استحکام و پایداری اقتدار ملی کمک کند. به طور کلی، انتخابات به عنوان یک فرایند دموکراتیک، نقش بسزایی در تعیین اقتدار ملی یک کشور دارند و تأثیر زیادی بر روابط دولت و مردم، پایداری سیاسی و استحکام نظام سیاسی دارند.

تأثیر انتخابات بر اقتدار ملی

انتخابات بر اقتدار ملی تأثیرات گسترده‌ای دارد. همانطور که توضیح داده شد که ریشه اقتدار در مشروعیت اعتبار، احترام و نفوذی است که یک نظام اجتماعی نزد



انتخابات و اقتدار ملی

نزد اعضای زیرمجموعه خود به دست می‌آورد که این اعتبار و نفوذ موجب می‌شود اعضای زیرمجموعه بدون چون و چرا و بدون این که نیازی به استدلال و اقناع آنها وجود داشته باشد فرامین و دستورات نظام را به اجرا درآورند. وقتی این موضوع در سطح یک ملت و برای نظام سیاسی حاکم بر جامعه مطرح می‌شود در این سطح، موضوع اعتبار و احترام نظام سیاسی در مرحله نخست به مشروعیت نظام سیاسی برمی‌گردد؛ به این معنی که یک نظام سیاسی وقتی می‌تواند از اعتبار و نفوذ در جامعه برخوردار شود که مشروعیت آن نظام، از سوی شهروندان مورد پذیرش واقع شده باشد. یعنی، هر گاه شهروندان به این باور برسند که نظام سیاسی حاکم بر جامعه بر حق است، این باور موجب تمکین رضایتمندانه آنها از قدرت سیاسی و همراهی و پشتیبانی آنها از آن می‌شود و همین امر زمینه‌های احترام و نفوذ نظام سیاسی را نزد شهروندان فراهم می‌کند و در نهایت به اقتدار نظام سیاسی منتج می‌شود، زیرا در سایه باور به حقانیت نظام سیاسی است که مردم نظام را مورد احترام قرار می‌دهند؛ برای آن اعتبار قائل می‌شوند و سیاست‌ها و برنامه‌های آن را به اجرا در می‌آورند. در این وضعیت، نظام سیاسی بدون نیاز به اعمال قدرت و به کارگیری زور، قوانین و خواسته‌هایش نزد جامعه به دلیل نفوذ ناشی از مشروعیتی که دارد به اجرا در می‌آید، که چنین موقعیتی برای نظام سیاسی موقعیت اقتدار نامیده می‌شود. از این رو، با توجه به استدلال‌های مطرح شده می‌توان به این نتیجه رسید که مشروعیت و مقبولیت که در قالب رضایت مردم در بس‌ترهای مختلف خصوصا انتخابات به دست می‌آید از جمله عناصر اصلی اقتدار و از مهمترین ارکان و شروط تحقق آن است و بدون وجود مشروعیت و مقبولیت، اقتدار به معنای واقعی در نظام سیاسی قابل تحقق نخواهد بود.



مهم‌ترین محورهای بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی مرتبط با انتخابات برنامه‌های دشمن علیه انتخابات مجلس

